

انتظار

موجودہ سیرت
مخبرہ

مجید حیدری ٹیک

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نگاهی دوباره

به

انتظار

مجید حیدری نیک

حیدری نیک، مجید، ۱۳۳۹ -

نگاهی دوباره به انتظار / مجید حیدری نیک. -

تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (ع) ۱۳۸۱.

۱۰۶ ص. ۴۰۰۰ ریال ISBN 964-7428-13-8:

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص. (۱۰۲) - ۱۰۶؛ همچنین به صورت زیر نویس.

۱. مهدویت -- انتظار. ۲. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم،

۲۵۵ ق. -- غیبت. الف. عنوان.

۲۹۷/۴۶۲

BP۲۲۴/۴/ ۸۵ ن ح

۳۲۵۸۵-۸۱ م

کتابخانه ملی ایران



بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (ع)

نگاهی دوباره به انتظار

مجید حیدری نیک

ناشر: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (ع)

چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول - پاییز ۸۱

قیمت: ۴۰۰۰ ریال

شابک ۹۶۴-۷۴۲۸-۱۳-۸

ISBN 964-7428-13-8:

مرکز پخش: تهران - ۸۴۰۸۴۱۹

فهرست مطالب

کاشکی می آمدی.....	۹
سخن آغازین.....	۱۱
درک انتظار.....	۱۵

فصل یکم: چیستی انتظار

مفهوم لغوی.....	۱۹
بررسی دیدگاه‌ها.....	۲۰
انتظار اصیل.....	۲۴

فصل دوم: ضرورت انتظار

الف. از معنای انتظار.....	۲۶
ب. از دریچه تاریخ.....	۲۸
ج. از نگاه دشمن.....	۳۰

فصل سوم: ابعاد انتظار

الف. توانایی فکری.....	۳۴
ب. توانایی روحی.....	۳۶
۱. درک قدر.....	۳۷
۲. رفعت ذکر.....	۳۸
۳. دیدن تمامی راه.....	۳۹

۴۹	۴. اطاعت و تقوا.....
۴۰	۵. ارتباط و پیوند با خدا.....
۴۰	۶. تمرین و ممارست.....
۴۱	ج. برنامه‌ریزی.....
۴۱	۱. هدف‌مندی.....
۴۱	۲. ارزشمندی هدف.....
۴۱	۳. تجزیه‌ی هدف.....
۴۲	۴. ابتدا بر فقه و آگاهی.....
۴۲	د. توانایی در عمل.....
۴۳	۱. کتاب.....
۴۳	۲. میزان.....
۴۴	۲.۱. توجه به عامل، جهت و اثر عمل.....
۴۴	۲.۲. اهمیت، صعوبت و مخالفت هوس.....
۴۵	۲.۳. اصول عملیه.....
۴۵	۳. آسیب‌های عمل.....

فصل چهارم: مبادی انتظار

۴۹	یکم. بحران‌ها.....
۵۰	دوم. ساختار وجودی انسان و جهان متحول.....
۵۳	سوم. ناتوانی مدعیان اصلاح.....

چهارم. ملاقات‌ها و راهنمایی‌ها.....	۵۵
□ نمونه.....	۵۷
پنجم. بشارت‌ها.....	۵۹

فصل پنجم: بایسته‌های انتظار

یکم. اقبال.....	۶۵
مفهوم اقبال (معنای نخست).....	۶۵
شناخت.....	۶۶
تجربه‌ی محبت از محبوب و ضعف و محدودیت از دیگران.....	۶۶
تجربه‌ی بن‌بست و احساس تنگناها.....	۶۸
مفهوم اقبال (معنای دوم).....	۵۹
دوم. میثاق.....	۷۰
سوم. پناه.....	۷۲
چهارم. توسل.....	۷۳
پنجم. آمادگی.....	۷۷

فصل ششم: ره‌آورد انتظار

یکم. صبر.....	۹۰
دوم. ذکر.....	۹۳
سوم. اصلاح.....	۸۴

چهارم. امید ۸۶

پنجم. همراهی ۸۷

ششم. بصیرت ۸۸

□ نمونه‌ی ۱ ۹۰

□ نمونه‌ی ۲ ۹۳

□ نمونه‌ی ۳ ۹۴

فصل هفتم: سرانجام انتظار

۱. پیروزی حتمی سپیدی بر سیاهی ۹۹

۲. نقش دعا در تعجیل فرج ۱۰۰

فهرست منابع و مآخذ ۱۰۳

کاشکی می آمدی

کاشکی می آمدی...

تا نگاهم در نگاهت گم شود

تا دلم از التهاب خالی شود

کاشکی می آمدی...

تا صدایت آرزوی خسته ام بیدار کند

تا سراج نور تو این هستی تاریک را

روشن کند

تو کجایی، ای افق، ای منتها

من غمینم منتظر در آرزوی روی تو

کاشکی می آمدی...

تا سپیده در حضورت از ظهور خامش شود

تا حنای نور در پرتو رنگ خوشت

بی رنگ شود

۱۰ □ نگاهی دوباره به انتظار

کاشکی می آمدی...

تا به مژگان هرچه در راهت بود جارو کنم

تا به قدس جویبارت،

این دل بشکسته ام را

پاکسازی کنم

آه باید در کنار انتظارت بینشی

تا که از مُلک و مَلک بالا روم

● پاییز ۸۰

سخن آغازین

«اللهم فثبتنا علی دینک و استعملنا بطاعتک و لیّن قلوبنا لولی امرک»
با رشد چشمگیر علم و صنعت، و هجوم و سرمستی که تکنولوژی و دانش به
همراه آورد و با ظهور انقلاب‌ها و مکتب‌های عدالت‌طلب و آزادیخواه و مدافع
انسان، بازگشت از دین به طور گسترده آغاز شد.

آنگاه پس از اوایل دهه‌ی پنجاه، بازگشت به دین آغازید و این، نتیجه‌ی
شکست مکتب‌های عدالت‌طلب و آزادیخواه و انسان دوست و بن‌بست صنعت
و علم بود.

اوج این بازگشت در پیروزی انقلاب اسلامی ایران تبلور یافت. این حادثه‌ی
بزرگ از یکسو معادلات سیاسی استکبار را در ادامه‌ی سیاست سلطه و تقسیم
استعماری در جهان، به هم زد و از سوی دیگر زمینه‌ی تحولات سیاسی
چشمگیری را در میان ملت‌های مسلمان جهان فراهم آورد. این جریان یکبار
دیگر اسلام را قدرت سرنوشت ساز جهانی مطرح کرد.

در این میان، آن چه مهم‌تر می‌نمود و توجه صاحب نظران و دلسوزان را به
خود جلب می‌کرد، حفظ و تداوم انقلاب و ارزش‌هایش بود و دشمن زخمی
مترصد ضربه زدن و نابود کردن آن.

از طرفی با این پیروزی و با این بازگشت، خطر بسیار بزرگی در جلو راه ما قرار گرفت؛ نسلی پر شور و با نشاط به سمت مذهب گرایش پیدا کرده بودند. اگر این هجوم سبز و مبارک تغذیه نمی شد و اگر غفلت‌ها ما را به بن بست می کشاند، دوباره عقب‌گرد شروع می شد، همان گونه که سیلاب‌ها هنگام برخورد به سدها، به سرعت برمی‌گردند....

تا ریزش و رویش دوباره و غنا و سرشاری و سدها و مانع‌ها را پشت سر گذاشتن، مدت‌ها طول می کشد و چه بسا که طعمه‌ی مرداب‌ها شوند و از پشت سد نگذرند و در کنار مانع‌ها بمیرند. راستی آیا چنین شد؟ آیا ما تمام وظایفمان را به درستی انجام دادیم؟... نمی‌دانم؛ اما مهم، درس گرفتن از گذشته و درک موقعیت کنونی و راهبردی برای آینده است.

تجربه‌ی بیست و اندی سال پس از انقلاب، این پیام مهم را دارد: ما باید با تمام وجودمان، با تمام امکاناتمان، با عقل و سنجش، با انتخاب و اختیار راه بیافتیم. آری، انقلاب اسلامی ایران هم چنان که برخاسته از اعتقاد به امامت است، زمینه‌ساز قیام و حکومت امام مهدی (عج) نیز هست.

امروز در دوره‌ی آخرالزمان، برگ آخر تاریخ و دوره‌ی شکوفایی تاریخ دینی و مصاف با هجوم خشن شبهات فکری هستیم. در این میدان، پیروزی از آن کسانی است که با بنیان‌های فکری نیرومند و با عشق بزرگ‌تر در برابر شهوات تجهیز شده باشند؛ ﴿الذین امنوا أشدّ حبّاً لله...﴾^۱.

به راستی ما خود را از یاران و منتظران به حساب آورده‌ایم و جای حرفی باقی نگذاشته‌ایم، در حالی که حرف‌ها بسیار است. جا دارد خود را دوباره

ارزیابی کنیم و به ریشه‌ها پردازیم. کتاب **نگاهی دوباره به انتظار** می‌خواهد با همین دید توجهی عمیق و ریشه‌ای به مسئله‌ی مهم روزگار ما یعنی انتظار داشته باشد.

هدف این نوشتار تبیین مفهوم واقعی انتظار، توضیح خاستگاه و ریشه‌های انتظار و نیز شایسته‌ها و بایسته‌هایی است که شیعه‌ی منتظر آن‌ها را راهبرد عملی بخرد می‌داند. تا در این رهگذر به وسعت و رشد رسیده، ثبات در دین و همراهی و معیت رسول و ولی را به دست آورد؛ **اللهم اجعل لی مع الرسول سبیلاً**^۱. نگارنده با تقدیم این اثر به ساحت مقدس ولی عصر **عجل الله تعالی فرجه الشریف**، توفیقات وافر برای همه‌ی منتظران و پیروان واقعی حضرتش را خواستار است. در پایان از همه‌ی کسانی که در شکل‌گیری این اثر سهم داشته‌اند، به خصوص **حجة الاسلام والمسلمین سید مسعود پورسید آقایی** مسئول مرکز تخصصی مهدویت، کمال تشکر و قدردانی را دارم.

و ما توفیقی الا بالله العلی العظیم

● شهریور ۸۱

مجید حیدری نیک

۱. مفاتیح الجنان، تعقیبات بعد از نماز در ماه مبارک رمضان.

گفتم که روی ماهت از من چرا نهان است؟
گفتا: تو خود حجابی، ورنه رخم عیان است
گفتم که از که پرسم جانان نشان کویت؟
گفتا: نشان چه پرسی، آن کوی بی نشان است
حافظ

درک انتظار

راستی انتظار چیست؟ چرا این قدر به آن سفارش و درباره اش گفت و گو شده است؟ تو پیام انتظار را نه تنها از لابه لای امواج بلند کلام مهربان رسول خدا ﷺ و نسیم رسای سخنان بی همتای علی علیه السلام می شنوی که پدران امت لقب گرفته اند، بلکه صدای هر یک از معصومان علیهم السلام ضمیر هشیار تو را با ضرورت و اهمیت آن آشنا می کند.

زمانی می توانیم معنای انتظار و حقیقت آن را بیابیم که بدانیم و لمس کنیم امام زمان (عج) را برای چه می خواهیم. پیش از این که معرفت به مهدی موعود پیدا کنیم، پیش فرض لازم آن است که او را برای چه می خواهیم و اصلاً چه

۱. قال رسول الله ﷺ «أنا و عليّ أبو هذه الأمة». عيون أخبار الرضا، ج ۱، ص ۸۵؛ تفسیر برهان،

ضرورتی به وجود اوست؟ تا نسبت به این مسأله تشنه نشویم، به حقایق آن دسترسی نخواهیم داشت. تا زمانی که این عطش انتظار و این احساس نیاز و به تعبیر زیبای معصومان علیهم السلام اضطرار و افتقار به حجت و امام عصر (عج) شکل نگیرد، به دنبال حضرتش نخواهیم رفت و در انتظار ظهورش حرکتی نخواهیم داشت؛

آب کم جو، تشنگی آور به دست تا بجوشد آبت از بالا و پست
 آری، ضرورت امامت باید از همین ابتدا طرح شود، همان ضرورتی که به وجود رسول خدا صلی الله علیه و آله بود به وجود ولی علیه السلام نیز هست. در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله دو چیز مانع گمراهی مردم بود، وجود آن حضرت و تلاوت آیه‌های قرآن مجید؛
 ﴿کیف تکفرون و أنتم تتلی علیکم آیات الله و فیکم رسوله﴾^۱.

پس از رسول هم به خلیفه‌ای باید، با همان خصوصیات رسول و آگاهی و آزادی و عصمت. احتیاج به کسانی هست که گذشته از حکم، امر و موضوعات را هم بدانند. در تفسیر سوره‌ی قدر، امام می‌فرماید: «با این سوره شما با مخالفان امامت بحث کنید».^۲ این امری که ملائکه و روح نازل می‌کنند و این ارتباطی که پس از رسول میان آسمان و زمین هست، برای کیست؟ ولی امر کسی است که در شب قدر امر را به او می‌سپارند.

پس نه در حکم و نه در موضوع دچار اشتباه نمی‌شود، همان گونه که اعمال ما به آن‌ها عرضه می‌شود و از وضع و کار ما با خبر هستند؛ و حتی می‌بینند ﴿سیری الله عملکم و رسوله و المؤمنون﴾^۳.

۱. آل عمران، ۱۰۱.

۲. بحار، ج ۲۵، ص ۷۱، ح ۶۲.

۳. توبه، ۱۰۵.

افزون بر این، عنصر دیگری که در درک انتظار به ما می‌تواند کمک کند، بازگشت دوباره به خویشتن خویش است.^۱ چون انسان بیش از هر چیز به خودش آگاهی دارد. اگر ابوذرها در یک برخورد این گونه شوریده می‌شوند و راه می‌افتند، از همین جاست که او را به برداشت از خویش دعوت کرده‌اند. از این رو مناسب است نگاهی دوباره به مقوله انتظار داشته باشیم. در این بازخوانی مروری خواهیم داشت بر عناوین آتی.

۱. لاینج فی الملکوت من لایولد مرتین. امام صادق علیه السلام به نقل از کلمات قصار حضرت مسیح می‌فرماید: به ملکوت راه پیدا نمی‌کند، کسی که دوباره متولد نشده باشد. (تولد اول از ملک و رحم مادر و تولد دوم، ما را به ملکوت می‌کشاند)

فصل یکم

چیسستی

انتظار

اگر مفاهیم صحیح و واقعی واژه‌ها درک شود، اشتباهات و سوء تفاهماتی که در شناخت مذهب و اهداف آن برای عده‌ای پیش آمده یا می‌آید، بر طرف و اهداف واقعی مکتب، روشن می‌شود. برخی از مفاهیمی که برداشت‌های مختلفی از آن شده، انتظار ظهور و فرج مهدی موعود(عج) است. بدین جهت شایسته است با کمی تأمل و درنگ، در این زمینه، کنکاشی داشته باشیم.

معنای لغوی

انتظار در لغت، به معنای درنگ در امور، نگهبانی، چشم به راه بودن و نوعی امید داشتن به آینده است.^۱ با مطالعه‌ی فرهنگ‌های لغت در می‌یابیم که انتظار یک حالت روانی به همراه درنگ و تأمل است؛ اما از این معنا دو نوع برداشت می‌توان کرد.

۱. این حالت روانی و چشم به راهی، انسان را به اعتزال و انزوا بکشاند و منتظر، دست روی دست بگذارد، وضعیت موجود را تحمل کند و به امید آینده‌ی مطلوب، بدون هیچ‌گونه تلاشی فقط انتظار بکشد.

۱. التحقیق فی کلمات القرآن، حسن مصطفوی، ج ۱۲، ص ۱۶۶.

۲. این چشم به راهی و انتظار سبب حرکت، پویایی و عمل و آمادگی وسیع تر گردد. کدام یک از این دو معنا، مراد و مقصود بزرگان و رهبران دینی است؟ با مراجعه به متون روایی، مشاهده می شود که معصومان علیهم السلام خیلی روشن و صریح با ارائه ی تصویری مناسب از انتظار، روی برداشت نخست، خط بطلان کشیده اند و برای این که هرگز آن معنا به ذهن مخاطب خطور نکند، انتظار را عمل نامیده اند، آن هم برترین اعمال^۱ یا آن را عبادت خوانده اند، آن هم محبوب ترین عبادت.^۲

اساساً این یک قاعده ی عقلی و منطقی است؛ آن کس که وضعیت موجود را نمی پذیرد و تحمل نمی کند، در انتظار گشایش است و برایش آماده می شود؛ من
انتظر أمراً تهيأ له.

بررسی دیدگاهها

بعضی که انتظار را خاموشی و گوشه گیری و اعتزال و مذهب احتراز^۳ پنداشته اند و بدین وسیله، آن را مورد هجوم قرار داده اند، به خطا رفته اند؛ چون حقیقت انتظار را درک نکرده اند و تیری در تاریکی انداخته اند. مانند آنان که انتظار را مذهب اعتراض^۴ خیال کرده اند، آن هم اعتراضی که از سقیفه و از زبان علی علیه السلام آغاز شد، به بی راهه رفته اند.

۱. «أفضل اعمال امتی انتظار الفرج من الله عزوجل»، «انتظارالفرج من أعظم العمل». کمال الدین، ج ۲،

باب ۵۵، ح ۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲.

۲. «انتظار الفرج عبادة»، «سئل عن علی علیه السلام رجل أی الاعمال أحب الی الله عزوجل؟ قال علی علیه السلام: انتظار الفرج». همان.

۳. حلاج، علی میرفطروس.

۴. انتظار، مذهب اعتراض، دکتر علی شریعتی.

در برابر این نگاه، دو پرسش مطرح است. ۱. دامنه‌ی این اعتراض تا کجاست؟ تا رفاه، تا عدالت، تا عرفان، تا آزادی، تا شکوفایی و تکامل یا...؟
 ۲. پی آمد این اعتراض چیست؟ چه باری بر دوش منتظر می‌گذارد و این نفی با چه اثباتی همراه می‌شود؟

در مورد پرسش نخست باید بگوییم: آرمان‌های دینی از تکامل و شکوفایی استعداد آدمی، بالاتر است؛ چون زمانی که انسان به تکامل هم برسد، باز مسأله این است که در چه جهتی می‌خواهد مصرف شود، رشد یا خُسْر؟ این دو مسأله‌ی اساسی بعد از تکامل و شکوفایی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند:

الناس معادن كمعادن الذهب و الفضة.^۱

مردم گنجینه‌هایی هستند، چون معدن طلا و نقره.

استفاده از معادن، سه مرحله دارد: کشف؛ استخراج؛ شکل دادن. تا این جا مرحله‌ی کمال و شکوفایی است، اما این آهن شکل گرفته که مثلاً به شکل اتومبیل درمی‌آید، جهت می‌خواهد. پس مرحله‌ی چهارم، جهت یابی این معدن، این انسان است.

جهت به سوی کیست؟ به سوی پایین تر از خود و رضایت به زندگی حیوانی و همین حیات دنیوی؟^۲ این تنزل است. انسان با کم‌ترین مقایسه درمی‌یابد که از حیوانات بالاتر است. در نتیجه، هدفی برتر می‌یابد؛ حرکت به سوی بالاتر از خودمان. این تحرک است، رشد است. بالاتر از من کیست؟ آفریننده‌ی انسان که حاکم و خالق هستی است.^۳

۱. بهار، ج ۶۱، ص ۶۵، ح ۵۱، کافی، ج ۸، ص ۱۸۸.

۲. ﴿ارضیتم بالحیوة الدنیا﴾. توبه، ۲۸.

۳. چنانچه در نماز هم به همین جهت آموزش داده می‌شود و در سجده می‌خوانیم: «سبحان ربی الاعلی و بحمده»؛ (پاک است خدای من که برتر است).

امامت، هدایت‌گر این حرکت و سیر صعودی است که پس از مقام رسالت، به این مهم می‌پردازد و اکنون عَلَم این حرکت را در دستان پرمهر مهدی موعود علیه السلام جست‌وجو باید کرد.

در مورد پرسش دوم هم باید گفت: منتظر مهدی، آماده است و برای حکومت حضرت مهدی علیه السلام زمینه‌سازی می‌کند، چنان‌چه در حدیث آمده است: و یوطئون للمهدی سلطانه.^۱

اهمیت این آمادگی و زمینه‌سازی را در پیام صادقانه‌ی امام صادق علیه السلام می‌توان جست‌وجو کرد که در آن، از کم‌ترین آمادگی، سخن رفته است:

لِيُعَدَّنَ أَحَدَكُمْ لَخُرُوجِ الْقَائِمِ وَ لَوْ سَهْمًا؛ فَاِنَّ اللَّهَ إِذَا عَلِمَ ذَلِكَ مِنْ نَيْتِهِ رَجُوثُ لَأَنَّ يُنْسَى فِي عَمْرِهِ حَتَّى يُدْرِكَهُ وَ يَكُونَ مِنْ أَعْوَانِهِ وَ أَنْصَارِهِ.^۲

هر یک از شما برای خروج قائم، باید آماده باشد، گرچه با فراهم کردن یک تیر باشد؛ چون وقتی خداوند ببیند کسی به نیت یاری مهدی علیه السلام مسلح شده است، امید است که عمر او را دراز کند، تا ظهور او را درک کند و از یاوران آن حضرت باشد.

از طرفی مهم‌ترین لقب پیشوای منتظر، «قائم» است که برای احترام هنگام شنیدن آن، قیام لازم است، لیکن حکمت اجتماعی این احترام نیز ما را به معنای حقیقی انتظار رهنمون می‌سازد. انسان منتظر با این حرکت خود می‌خواهد نشان دهد که در حال آمادگی برای قیام و مبارزه و جهاد است.^۳ بعضی به اشتباه فکر

۱. میزان الحکمة، ج ۲، ص ۵۶۸؛ کنز العمال، ح ۳۸۶۵۷.

۲. الغیبة، نعمانی؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۶.

۳. آیه‌الله طالقانی رحمه‌الله می‌گوید: «این دستور قیام، شاید برای احترام نباشد، وگرنه برای خدا و

می‌کنند که همه‌ی کارها خود به خود و بدون زمینه‌سازی و آمادگی درست می‌شود! در حالی که هیچ‌گاه بنای عالم بر این استوار نبوده که بدون هیچ رنجی و جهادی، مشکلات بشر حل شود. سخنان حکیمانه‌ی امام باقر علیه السلام در این مورد، بسیار خواندنی است:

...قلت لأبي جعفر عليه السلام: أنهم يقولون: إن المهدي لو قام، لاستقامت له الأمور عفواً ولا يهريق محجة دم. فقال: كلا، و الذي نفسي بيده، لو استقامت لاحدٍ عفواً لاستقامت لرسول الله صلى الله عليه وآله حين أدميث زُباعيته و شُبَّح في وجهه، كلاً و الذي نفسي بيده حتى نمسح نحن و أنتم العرق و العلق؛ ثم مسح بجبهته.^۱

... به خدمت امام محمد باقر علیه السلام عرض کردم: مردم می‌گویند چون مهدی قیام کند، کارها خود به خود درست می‌شود و به اندازه‌ی یک حجامت، خون نمی‌ریزد.

حضرت در پاسخ فرمود: هرگز، به خدای جان آفرین سوگند! اگر قرار بود کار برای کسی، خود به خود درست شود، برای پیامبر صلی الله علیه و آله می‌شد، هنگامی که دندان‌ش شکست و صورتش شکافت. هرگز چنین نیست که کار خود به خود درست شود. به خدای جان بخش سوگند! کار درست نخواهد شد تا این‌که ما و

رسول و اولیای مکرم دیگر هم باید به احترام، قیام کرد، بلکه دستور آمادگی و فراهم کردن مقدمات نهضت جهانی و در صف ایستادن، برای پشتیبانی این حقیقت است...». مجله‌ی «مجموعه‌ی حکمت»، شماره‌ی ۱ و ۲، سال سوم.

۱. الغیبة، نعمانی؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۸.

شما در عرق و خون غرق شویم. آن‌گاه به پیشانی خود دست کشید.

انتظار اصیل

اکنون با توجه به معنای لغوی و روایات انتظار و اقوال و دیدگاه‌ها در این زمینه، می‌توان گفت: انتظار نه احتراز است و گوشه نشینی، نه اعتراض و نفی طاغوت‌ها. در واقع، این‌ها حالت روحی و روانی محض هستند، بلکه انتظار، عمل و اقدام، پویایی و حرکت است. از این رو در روایات، انتظار بهترین و محبوب‌ترین عمل خوانده شده است.^۱

حقیقت انتظار بسیار بالاتر از این محدوده‌هاست. انتظار جنبه‌ی اثباتی دارد؛ یعنی آمادگی و اقدام. منتظر فرزند محبوب و دلدار عزیز، در خود و در محیط اطراف، نشان و اثر می‌گذارد. منتظر مهدی و قائم آل محمد علیهم‌السلام چگونه می‌تواند آماده نشود و زمینه سازی نکند، در حالی که به شمشیر زدن در رکاب پیامبر صلی‌الله‌عنه‌وآله‌وسلم بر فرق دشمن^۲ تشبیه شده است.

اساساً انتظار خشک و خالی، به عبارت دیگر امید ذهنی بی آن‌که در جامعه تحقق یابد و آثارش آشکار شود، هیچ‌گاه بهترین عمل نخواهد بود و این معانی، حاکی از حضور در صحنه و فعالیت‌های علمی و کار و کوشش و زمینه سازی عینی است، نه نیت بدون عمل و امید ذهنی بدون آثار عملی.

پس انتظار به معنای آینده نگری، دگرگونی است و این دگرگونی به زمینه سازی، نیاز دارد.

۱. از سویی، انتظار در روایات، عمل خوانده شده. و از سوی دیگر در روایتی می‌خوانیم: نية المؤمن خیر من عمله؛ نیت در مقابل عمل قرار گرفته است. پس مراد از انتظار، نیت بدون عمل و امید ذهنی بدون آثار عملی نیست.

۲. «... کمن قارع مع رسول الله بسيفه». بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۶.

فصل دوم

ضرورت

انتظار

عقیده به ظهور مصلح و آمادگی برای انقلاب جهانی، چنان حیاتی و لازم بوده است که پیشوایان دینی انتظار را راهبرد مهم این برهه‌ی تاریخی دانسته، در دوران غیبت به آن فرمان داده‌اند.^۱ اهمیت و ضرورت دوره‌ی انتظار را می‌توان از زوایای مختلف بررسی کرد:

الف - توجه به معنا و حقیقت انتظار، همان‌گونه که گذشت، انتظار یک دوره‌ی آماده‌سازی و زمینه‌سازی است و هر انقلاب و حرکتی که این دوره را پشت سر نگذاشته باشد، ناقص و بی‌ثمر است. کسانی را می‌بینیم که به پا ایستاده‌اند و راه افتاده‌اند، ولی دوره‌ی انتظاری نداشته‌اند. گویا چیزی نمی‌خواسته‌اند و تنها بر اساس جوّ محیط و جریان حاکم به رفتن وادار شده‌اند.

این‌ها بدون انتظار و بدون آماده‌باش در گام‌های نخست گرفتار شده‌اند و به خودخوری و فرار از خویشتن رسیده‌اند و سرانجام زیر فشار ابهام‌ها و اشکال‌ها،

۱. انّ القائم منّا هو المهدي الذي يحب أن ينظر في غيبته و يطاع في ظهوره؛ منتخب الأثر، ص ۲۲۳. چون در لابه‌لای مباحث گذشته و آینده، از روایاتی در مورد ارزش و فضیلت و اهمیت انتظار سخن رفته است، در این جا از پرداختن به این مسأله خودداری شده است. ر.ک: بحار الأنوار، ج ۵۲، صص ۱۲۲-۱۲۵، ۱۴۰ و ۲۲۳؛ الغيبة، نعمانی، ص ۲۰۰؛ منتخب الأثر، صص ۴۹۶-۴۹۸ و ۲۳۴؛ اصول کافی، ج ۲، ص ۱۷۶.

در مرحله‌ی فکر و اعتقاد، ظرفیت و تحمل، طرح و برنامه، اجرا و عمل، از کمبود امکانات گرفته تا نیازهای اقتصادی و نیازهای تخصصی و علمی، حتی آمادگی بدنی و توانایی جسمی، به انزوا و فرار از کار و جدایی از عمل روی آورده‌اند.

طبیعی است آن‌ها که عمل زده بودند، بعدها با نفرت، عرفان زده، فلسفه زده و علم زده و کلاس زده هم بشوند و به دنبال پناه گاهی بگردند. باز هم طبیعی است که به پناهی نرسند و سرگردان بمانند.

بنابراین، برای هر انقلابی گذر از دوره‌ی انتظار ضرورت است و هر قدر اهداف انقلابی بزرگ‌تر باشد، دوره‌ی انتظار آن هم گسترده‌تر خواهد بود. سنت تغییرناپذیر الهی، بر این است که ایجاد تغییرات اصلاح‌گرایانه در گرو سلسله شرایط و زمینه‌های خارجی است و تا همه‌ی آن شرایط کاملاً تحقق نیابد، امکان رسیدن به هدف وجود ندارد.

بدین جهت، آیین اسلام پس از یک دوره‌ی طولانی و چندین قرن، ظهور کرد. جهان در انتظار ماند تا پنج قرن از جاهلیت بگذرد، نگاه آخرین پیام آسمانی به واسطه‌ی رسول گرامی اسلام ﷺ فرستاده شد.

این خاصیت انتظار است که تو را وادار می‌کند تا کمبودها را حدس بزنی و برای فراهم آوردن آن بکوشی. این خاصیت انتظار است که تو را به آمادگی و حضوری می‌رساند که مانع‌ها را بشناسی و برای زدودن آن‌ها، برنامه بریزی. آن‌جا که انسان افراد استخوان‌داری را می‌بیند که پس از سال‌ها تحصیل چگونه سر در گم هستند و نمی‌دانند چه کنند و خسته و رنجور و آزرده شده‌اند، به این نتیجه می‌رسد که علت انزوا و خستگی این‌ها نداشتن دوره‌ی انتظار است.

این‌ها ندیده آمده‌اند و طبیعی است که با دیدن مشکلات، سرگردان شوند یا

این که تجدید نظر دوباره داشته باشند و از اساس، کارشان را درست کنند و بنیادی پیش بیایند.

ب. بررسی اوراق زرین تاریخ از طرفی، ضرورت و اهمیت دوره‌ی انتظار را از لابه‌لای صفحات تاریخ نیز می‌توان به دست آورد.

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام و سیدالشهداء علیه السلام تا امروز، ریشه‌ی تمام حرکت‌ها و نهضت‌های شیعی علیه باطل و استعمارگران، همین فلسفه‌ی اجتماعی انتظار و عقیده به ادامه‌ی مبارزه تا پیروزی حق بوده است. این امر چنان مورد توجه بزرگان دین قرار گرفته تا آن‌جا که یکی از معیارهای پذیرش اعمال نامیده شده است.^۱

از مهم‌ترین رازهای نهفته‌ی بقای تشیع همین روح انتظاری است که کالبد هر شیعه را آکنده ساخته، پیوسته او را به کوشش و جنبش وامی‌دارد و از نومیدی و بی‌تابی و افسردگی و درماندگی او را باز می‌دارد. این تأثیر چنان ملموس و کارساز بوده که اسلام پژوهان غربی^۲ نیز از آن گفت‌وگو کرده‌اند.

خوشتر آن باشد که سر دلبران گفته آید در حدیث دیگران

۱. عن أبي عبد الله عليه السلام أنه قال: ألا أخبركم بما لا يقبل الله عز وجل من العباد عملاً إلا به؟ فقلت: بلى، فقال... و انتظار القائم عليه السلام. امام صادق عليه السلام به راوی فرمود: آیا ملاک قبولی اعمال بندگان را به شما خبر دهم؟ راوی گفت: آری. امام فرمود: آن‌ها عبارت است از... و انتظار مهدی قائم آل محمد (عج)؛ الغيبة، نعمانی، ص ۲۰۰.

۲. به دلیل مفصل شدن کتاب از نقل نظریات دانشمندان مسلمان در اهمیت و ضرورت این دوران می‌گذریم. زیرا ما را از هدف اصلی دور می‌کند. شنیدن حقایق از زبان دیگران، اثر گذارتر و روشن‌گر بسیاری از واقعیت‌های پنهان می‌شود که ما به سبب تکرار و زیاد شنیدن از کنارشان به سادگی گذشته‌ایم.

«هانری کرین»^۱ اسلام شناس شهیر فرانسوی می گوید:

...مفهوم غیبت، اصل و حقیقت غیبت هرگز در چارچوب درخواست های دنیای امروز در معرض تفکر عمیق قرار نگرفته است... معنای این امر به عقیده ای این جانب، چشمه ای بی نهایت و ابدی از معانی و حقایق است... معنویت اسلام تنها با تشیع، امکان حیات و دوام و تقویت دارد و این معنا در برابر هرگونه تحول و تغییری که جوامع اسلامی دستخوش آن باشند، پایداری خواهد کرد.

امام زمان، مفهوم اعلائی است که مکمل مفهوم غیبت است، ولی کاملاً به شخصیت امام غایب، مرتبط است. این جانب، مفهوم امام غایب را با روح غربی خودم به گونه ای نو و بکر، احساس و درک می کنم و چنین به تفکر و دلم الهام می شود که رابطه ی حقیقی آن را با حیات معنوی بشر، وابسته می دانم.^۲

جیمز دار مستر^۳ شرق شناس معروف فرانسوی در این باره می گوید:

در حله که نزدیک بغداد است، همه روزه پس از نماز عصر، صد نفر سوار با شمشیر برهنه می رفتند و از حاکم شهر، اسبی با زین و برگ می ستاندند و... فریاد می زدند: تو را به خدا، ای صاحب الزمان! تو را به خدا بیرون بیا.

ی همچنین می گوید:

قومی را که با چنین احساسات پرورش یافته است، می توان کشتار

1. Hunry corban.

۲. تشیع در دنیای امروز، سید محمد حسین طباطبائی، مقدمه: هانری کرین، صص ۲۵ - ۳۵.

3. Jaimse Dar Mester.

کرد، اما مطیع نمی‌توان ساخت.^۱

«ماربین» محقق آلمانی می‌گوید:

«از مسایل اجتماعی بسیار مهمی که سبب امیدواری و رستگاری

شیعه است، اعتقاد به وجود حجت عصر و انتظار ظهور است...»

(سیاست اسلام، ماربین، فصل هفتم، فلسفه مذهب شیعه صص ۴۹-۵۰)

«ای. ب. پتروشفسکی» تاریخ‌دان و ایران‌شناس علوم شوروی سابق، در این

زمینه می‌نویسد:

«چشم به راه مهدی بودن در عقاید مردمی که نهضت‌های قرن

سیزدهم را در ایران به پا داشتند، مقام بلندی داشته است، ولی در قرن

چهاردهم و پانزدهم میلادی، این عقیده راسخ‌تر و مشهودتر گشت.»

(نهضت سربداران خراسان، ای. ب. پتروشفسکی، ترجمه: کریم

کشاورز.^۲

ج. بررسی مواضع دشمنان در اهمیت دوران انتظار همین بس که دشمنان، آن

را مانع تسلط خود بر مسلمانان برشمرده‌اند: «میشل فوکو، کلر بریر» در بحث

مبارزه با تفکر مهدی باوری، نخست امام حسین علیه السلام سپس امام زمان (عج) را

مطرح می‌کنند و دو نکته را عامل پایداری شیعه می‌دانند: نگاه سرخ و نگاه سبز.

در کنفرانس «تل آویو» هم افرادی مانند «برنارد لوییس، مایکل ام جی.

جنشر، برونبرگ و مارتین کرامر» بر این بحث خیلی تکیه می‌کنند. آن‌ها در

۱. مهدی از صدر اسلام تا قرن ۱۳ هجری، دارمستر، ترجمه محسن جهان‌سوز، صص ۳۸،

۳۹، ۷۹.

۲. علاقه‌مندان به کتاب‌های «در انتظار قنوس»، ص ۳۰۴ و «ظهور حضرت مهدی از دیدگاه

اسلام»، ص ۲۳۹ مراجعه کنند.

بود که مهم‌ترین آن‌ها پیش‌گویی وی درباره‌ی ظهور نواده‌ی پیامبر اسلام در مکه مکرمه و متحد ساختن مسلمانان و پیروزی بر اروپاییان و ویران کردن شهرهای بزرگ سرزمین جدید (آمریکا) بود.^۱

هدف از این مانور تبلیغاتی، به تصویر کشیدن چهره‌ای خشن، بی‌رحم، ویران‌گر و گرفتار جنون قدرت از مهدی موعود، تحریک و بسیج عواطف ملل غربی علیه اسلام و منجی موعود آن و در کوتاه مدت، بستر سازی روانی بود.

به احتمال قوی با توجه به شواهد موجود، حملات تروریستی ۲۰ شهریور هشتاد به شهرهای واشنگتن و نیویورک نیز ادامه همان سناریوی از قبل تهیه شده‌ای است که پرده دیگری از آن به نمایش گذاشته شد تا با جلب عواطف و آرای مردم جهان علیه نهضتها و جنبش‌های اسلامی، بستر مناسبی برای سرکوب مبارزان و آزادیخواهان مسلمان در سراسر جهان فراهم شود.

فصل سوم

ابعاد

التنظير

آن کس که در انتظار است، آماده می‌شود تا ضعف‌های خودش را برطرف کند و مانع‌ها را بشناسد و در نقطه ضعف‌های دشمن خانه بگیرد و از آن سنگر بسازد.

اکنون این پرسش مطرح است: آمادگی و زمینه‌سازی در کجا و به چه صورتی؟ برای توضیح این مطلب باید گفت: انسان منتظر باید از آمادگی همه جانبه برخوردار باشد؛ فکری و روحی، برنامه‌ریزی، عملی.

الف. توانمندی‌های فکری

سقف‌های سنگین و رسالت‌های بزرگ، پایه‌های محکم می‌خواهند، پایه‌هایی که در شعور و احساس قرار گرفته باشند. بدین جهت رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

لِكُلِّ شَيْءٍ دَعَامَةٌ وَ دَعَامَةُ هَذَا الدِّينِ الْفَقْهُ وَ الْفَقِيهَ الْوَاحِدَ
أَشَدُّ عَلَى الشَّيْطَانِ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ^۱

برای هر چیز، پایه‌ای است؛ اساس دین اسلام، فهم عمیق

۱. نهج الفصاحة، ج ۹۰.

است و یک فقیه در برابر شیطان، از هزار مسلمان عبادت گزار
[بدون شناخت] محکم تر و اثرگذارتر است.

بنابراین، در دوره‌ی انتظار، باید بنیان‌های فکری عمیقی پیدا کنیم تا در مقابل
افکار و مکاتب مختلف از پا نیفتیم؛ اما چگونه؟ بعضی خیال می‌کنند که برای
انتخاب صحیح باید تمام مکاتب را شناخت، آن‌گاه انتخاب کرد، ولی این
بررسی برای انتخاب کافی نیست. زیرا درست است که گفتند باید گفته‌های نیکو
را گوش داد و بهترین را انتخاب کرد،^۱ ولی بهتر را باید با اصلی سنجید، این اصل
کدام است؟

علی علیه السلام می‌گوید: کفی بالمرء جهلاً أن لا یعرف قدره.^۲ در نادانی انسان همین
بس که با تمامی اطلاعات و مطالعات بزرگ، معیاری نداشته باشی و اندازه‌ی
خودت را نشناسی.

آن چه یک منتظر باید در زمینه‌ی فکری به آن مسلح باشد، درک و شناخت
قدر خویش است که معیار انتخاب مکتب‌هاست و انسان را در برابر افکار
گوناگون راهنمایی می‌نماید و انتخاب بهترین را ممکن می‌سازد. چون بهترین‌ها
در شعاری که ارائه می‌دهند، همراه مقایسه‌ای که در میان این شعار و قدر وجود
من برقرار می‌شود، انتخاب می‌گردد.

با توجه به همین معیار است که می‌توانی کار گروه‌ها و مکتب‌های گوناگون را
نقد بزنی. لازم نیست همه‌ی مکاتب را مطالعه کرد، بلکه همین قدر از مکاتب را
باید دانست که طرح آن‌ها برای سرانجام انسان چیست؟ مثلاً وقتی شما
می‌خواهید یک جفت کفش بخرید، تمام کفش‌های یک فروشگاه را آزمایش

۱. ﴿فبشر عبادی الذین یستمعون القول فیتبعون أحسنه﴾. (زمر، ۱۸).

۲. نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۶.

نمی‌کنید. اندازه و شماره‌ی پا، شما را در انتخاب بهترین کمک می‌کند. در باره‌ی مکتب‌ها و گزینش آن‌ها نیز چنین است؛ وقتی من اندازه‌ی واقعی انسانی خودم را کشف کردم و آن را شناختم، در پی این هستم که مکاتب مختلف، چه لباسی را برای این انسان می‌دوزند. آن وقت در می‌یابم لباس‌هایی را که آن‌ها برای من می‌سازند، حتی انگشت پای مرا نمی‌تواند بپوشاند، جز مکتب تشیع که آرمان‌ها و اهدافش با اندازه‌ی وجودی و ارزش واقعی انسان، هماهنگ است.

این راه، راه گشای بن‌بست‌های حیرت‌زاست. این شروع در ما جریان‌ی پدید می‌آورد که از مطالعات و تفکرات دیگران هم می‌توانیم بهره‌بریم و این جریان فکری است که در برابر فکرهای گوناگون می‌تواند مقاوم باشد. آری انسان بی‌نهایت استعداد دارد.^۱ اگر این را باور کرده باشیم، هیچگاه آن جایگاهی را که داریم، پایان خط نمی‌دانیم و همواره مجبوریم حرکت کنیم.

ب - توانمندی‌های روحی

منتظر باید در زمینه‌ی روحی نیز آمادگی بالایی داشته باشد تا در برابر حوادث و مصیبت‌ها از کوره در نرود و بار سنگین رسالت و آگاهی‌های عظیم را بر عهده گیرد. در واقع، ظرفیت وجودی مرا در کنار گرفتاری‌ها مقاوم می‌سازد، از این رو وقتی منتظر دعا می‌کند، از خداوند شناخت می‌طلبد؛

اللهم عرفنی نفسک..... خدایا؛ خودت را به من بشناسان.

همچنین ثبات قدم را می‌خواهد؛ ثبتنی علی دینک. نیز پایداری صبر را

۱. أتزعم أنك جرم صغير و فيك انطوى العالم الأكبر؛ رياض السالكين، ج ۷، ص ۲۱۹، تفسیر صافی،

درخواست می‌کند؛ صبر نی علی ذلك^۱ منتظر باید از چنان روحیه‌ای برخوردار شود که همراه رنج‌ها و سختی‌ها، راحتی‌ها را داشته باشد. زیرا در زمان غیبت، مردم مورد سخت‌ترین امتحانات قرار می‌گیرند و زیر و رو می‌شوند. چنان‌چه امام باقر علیه السلام در پاسخ یکی از یاران که پرسید: فرج شما چه وقت است؟ فرمودند:

هیئات، هیئات لا تكون فرجنا حتى تغربلوا ثم تغربلوا -

يقولها ثلاثاً - حتى يذهب الكدر و يبقى الصفو.^۲

هرگز هرگز، به این زودی فرج ما نرسد تا غربال شوید، باز هم

غربال شوید و باز هم غربال شوید تا کدورت‌ها برود و صفا بماند.

ایجاد روحیه، امر مهمی است که در دوره‌ی انتظار باید حاصل شود، ولی

مهم‌تر از آن، راه‌های ایجاد این روحیه است که چگونه و با چه روشی این روحیه در منتظر پدید می‌آید. اکنون به مواردی اشاره می‌کنیم:

۱. درک قدر

آدمی که اندازه‌ی خودش را شناخته، به سبب کمترها توفان نمی‌گیرد و از جا

نمی‌کند. ظرفیت و وسعت روحی مادر آن چه بر ما اثر می‌گذارد، و آن را خوب

می‌شماریم و به آن اهمیت می‌دهیم، مشخص می‌شود. زیرا امام علی علیه السلام

می‌گوید:

قيمة كل امرئ ما يحسنه؛^۳ قدر الرجل علی قدر همته؛^۴

۱. مفاتیح الجنان، دعای غیبت امام زمان (عج).

۲. اثبات الهداة، ج ۷، ص ۲۴.

۳. نهج البلاغه، قصار الحكم، شماره ۸۱.

۴. نهج البلاغه، کلمات قصار، ش ۴۷.

ارزش آدم به اندازه‌ی همان چیزی است که بر او اثر می‌گذارد و برای او اهمیت دارد.

پس باید به این مرحله برسیم که ارزش وجودی خودمان از چیزهایی که برای ما اهمیت دارند و بر ما اثر می‌گذارند، بالاتر است. پس همت‌هایمان فراتر می‌رود تا آن‌جا که حرکت می‌کنیم و در این حرکت با مسایلی روبه‌رو می‌شویم که پیشاپیش، آماده شده بودیم.

هرچیز که در جستن آنی، آنی

این نکته‌ی رمزگر بدانی، دانی

تا در هوس لقمه‌ی نانی، نانی

تا در طلب گوهر کانی، کانی

۲. رفعت ذکر

رفعت ذکر هم سبب وسعت صدر می‌تواند باشد و قرآن چه زیبا به این موضوع اشاره دارد؛ ﴿ألم نشرح لك صدرك و وضعنا عنك و زرك و رفعنا لك ذكرك﴾.^۱ آن‌جا که ذکر و یاد تو را، نه اسم و نام تو را (نفرمود: و رفعنا لك اسمك) بالا بردیم، در تو وسعتی پدید آوردیم و بارهای سنگین و کمرشکن را از تو برداشتیم، تا آن‌جا که تو همراه هر رنج، دوراحتی می‌دیدی؛ ﴿فان مع العسر يسراً ان مع العسر يسراً﴾.^۲ تکرار نکره صفحه‌ی بعد، یسر بدون الف و لام، است. پس همراه هر رنج، دوراحتی هست که تو ورزیده شده‌ای و با رفعت یاد و ذکر به وسعت سینه، راه یافته‌ای.

۳. دیدن تمام راه

کسی که تمامی راه را دیده، مانع‌ها را شناخته است، این وجود آگاه مطلع

۱. الشرح، ۱.

۲. الشرح، ۵ و ۶.

منتظر است و از دیدن حوادث و گرفتاری‌ها نمی‌لرزد. زیرا از پیش آماده شده، به انتظار نشسته است. کسانی می‌لرزند که با رؤیایها و توقع‌های بی حساب، راه افتاده‌اند و به گمانشان تا راه افتادی، تمام دشمن‌ها برایت نقل و نبات می‌آورند. ولی آنان که مانع‌ها را دیده‌اند و برای مبارزه با آنها آماده شده‌اند به وسعت روحی رسیده‌اند و با استقامت و مجاهدت به پیمودن راهشان ادامه می‌دهند.

۴. اطاعت و تقوا

کسی که حدود را می‌شناسد و تکلیفش را می‌داند و به این تکلیف می‌خواهد عمل کند، دیگر فشاری ندارد، بلکه در جایگاه امن نشسته است؛ ﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ﴾^۱. وجودی که تکلیفش را شناخته، وحی را می‌فهمد، از آن چه پیش می‌آید، وحشت ندارد، حتی با آن چه می‌شود، کاری ندارد.

آن رسول عزیز صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرمود: ما كنت بدعاً من الرّسل؛ من از میان رسولان بدعت و چیز تازه‌ای نیاورده‌ام. و ما أدری ما یفعل بی و لا بکم؛ حتی نمی‌دانم که برای من و شما، چه پیش می‌آید. ﴿إِنِ اتَّبَعَ إِلَّا مَا يُوْحَىٰ إِلَيْكَ﴾^۲. من فقط بر روی مرز و به دنبال وحی حرکت می‌کنم. زیرا همین اطاعت و تقوا و عمل به وظیفه است که امن می‌آورد و از بن بست بیرون می‌کشد؛ ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً﴾^۳.

۱. دخان، ۵۵.

۲. احقاف، ۹ و ۱۰.

۳. طلاق، ۲.

۵. پیوند با خدا

رزق انسان فقط در خواندن کتاب نیست. مطالعه‌ی آفاق و انفس هم آیه‌ها و نشانه‌هایی را در پی دارد و مایه‌های فکری و روحی انسان را استحکام می‌بخشد. افزون بر این، کسانی که روز را با خلق خدا به سر می‌برند، باید در شب به یاد خدا باشند و از قرب او رزق بگیرند، تا بار برخوردارهای سنگین و درگیری‌های مستمر روزانه را بتوانند به دوش بگیرند.

به همین دلیل، رسول باید پیش از قیامش در روز، شبانه برخیزد و قرآن را آرام آرام بخواند و با ترتیل در وجودش بنشانند؛ چون می‌خواهد قول ثقیل و رسالت سنگینی را بر دوش بگیرد.^۱ این پیوند شبانه و دعا، قرائت یا قیام فراهم کننده‌ی رزق روزانه‌ی مؤمن منتظر است که سوخت و ساز و درگیری و برخوردارهای شکننده دارد.

۶. تمرین و ممارست

اگر انسان با آن شناختی که یافته، زندگی کند؛ یعنی؛ آن چه فهمید، حرکت و تمرین کند، بارهای سنگین را می‌تواند بردارد.

چنین کسانی به ثبات می‌رسند؛ ﴿مِثْلَ كَلِمَةِ طَيْبَةٍ كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَ فُرْعَاهَا فِي السَّمَاءِ﴾^۲، یک انسان پاک مثل درخت پاک است، ریشه‌های ثابتی دارد و شاخ و برگ گسترده. ﴿يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ﴾^۳ کسانی که ایمان آورده‌اند، با گفته‌های ثابت تثبیت می‌شوند. آن یافته‌های انسان، اگر در او

۱. ﴿يَا أَيُّهَا الْمَزْمَلُ قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا نَصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَ رَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا﴾:

مزمّل، ۱ - ۵.

۲. ابراهیم، ۲۴.

۳. ابراهیم، ۲۷.

شکل گیرد و با آن زندگی کند، با همان‌ها به ثبات می‌رسد و قدرت پیدا می‌کند.

ج. برنامه ریزی

منتظر باید طرح داشته باشد و با توجه به نقشه‌ی سازندگی، دنبال مصالح و لوازمی باشد که قبلاً برنامه‌ریزی کرده است. نکاتی که در این زمینه باید مد نظر داشت، عبارت است از:

۱. هدف‌مندی

طرح بر اساس هدف و هدف بر اساس درک از قدر و ارزش، شکل می‌گیرد. با در دست داشتن هدف، کلید طرح به دست می‌آید.

۲. ارزش‌مندی هدف

انسانی که خودش را میوه‌ی هستی می‌بیند و آدمی که در او همت‌های بلند شکل می‌گیرد و مسئولیت‌های بزرگ پذیرفته می‌شود، فقر و جهل و فسق و شرک و کفر را نمی‌تواند تحمل کند. او در خود و در اجتماع، در پی این ارزش‌های بالاتر می‌گردد و برای این ارزش‌های مقدس مجبور است که طراحی کند.

۳. تجزیه‌ی هدف

بهترین کار برای رسیدن به هدف و برداشتن موانع، تقسیم آن‌هاست؛ یعنی باید نیازها، مسایل، مراحل و موانع را شناسایی کرد. هم‌چنین باید به جای نشستن و حسرت خوردن، حرکت کرد تا راه رسیدن به هریک از مقدمات و مراحل را شناخت و برای درگیری با مانع‌ها آماده شد.

هنگامی که هدف‌های بزرگ تجزیه می‌شوند، راحت و آسان خواهند شد و

هدف‌های کوچک هنگامی که خرد نشوند، ناممکن و محال جلوه می‌کنند.

۴. ابتناء بر فقه و آگاهی

اکنون این طرح و تقدیر، انسان منتظر را از پراکنده کاری و دوباره کاری و خراب کاری، نگه می‌دارد؛ چون کارهای پراکنده در طرح، جان گرفته، به سوی هدف، هماهنگ گردیده، از فقه و آگاهی، برکت می‌گیرد.

قرآن مجید به عواملی اشاره می‌کند که با همراهی آنها، انسان منتظر در برابر دشمن - هرچند ده برابر باشد - نه تنها مقاوم، که پیروز می‌گردد. قرآن به ما می‌آموزد که همراه عناصری بر دشمن غلبه خواهید یافت. آن‌گاه در بیان علتش می‌فرماید: ﴿بأنهم قوم لا یفقهون﴾^۱؛ چون آن‌ها بینشی ندارند.

پس عنصر فقه همراه عناصر صبر، تجمع و ایمان مؤمن منتظر را در برابر دشمن که ده برابر اوست، می‌تواند به پیروزی رساند.

د - توانمندی در عمل

در مرحله‌ی عمل، به دو عامل دیگر نیاز است. که در روش تربیتی انبیا از آن سخن به میان رفته است؛ ﴿لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان﴾^۲. همه‌ی انبیا افزون بر بینات، همراه با کتاب و میزان بوده‌اند. در بینش دینی، افراد نه با عمل که با بینش‌شان از یک عمل، به ارزش می‌رسند. در بینش اسلامی، همه مسئول هستند؛ کلکم راعٍ و کلکم مسؤول عن رعیتة.^۳

انجام دادن چنین مهمی، به دو عامل دیگر نیازمند است، کتاب و میزان؛ یعنی

۱. انفال، ۶۵.

۲. حدید، ۲۵.

۳. ارشاد القلوب، ص ۱۸۴؛ تنیه الخواطر، ج ۱، ص ۶.

با کتاب، به ضابطه‌ها برسد و دستورها را بشناسد و هنگام تزامن دو دستور، با میزان‌ها و معیارها، از بن بست بیرون بیاید.

۱. کتاب

منظور از کتاب، همین قرآن، تورات و انجیل نیست و این پیدا است که همه‌ی انبیا، صاحب کتاب‌هایی مثل تورات و انجیل و زبور و قرآن نبوده‌اند. این کتاب همان ضابطه‌ها و دستوره‌ای مکتوب است؛ ﴿کتب علیکم الصیام﴾^۱ و ﴿کتب علیکم القتال﴾^۲.

منتظر مؤمن که خودش را در دنیای رابطه‌ها می‌بیند و در میان نظام، علیتی و علمی می‌شناسد، این‌گونه نمی‌تواند اقدام کند، بلکه برای هر رابطه، به ضابطه و دستور نیاز دارد؛ چون انسان، نه تنها از عبادالله و بلادالله، از بیابان‌ها و چهارپایان هم بازخواست می‌شود.^۳

۲. میزان

به اندازه‌ی تمامی پدیده‌ها، تکلیف و حکم هست. این تکالیف خود با هم تعارضی ندارند، ولی مسأله آن‌جا سبز می‌شود که این‌ها در یک زمان به سراغ تو بیایند. اگر در یک زمان محدود با تمامی این دستورها، روبه‌رو شوی، چه می‌کنی؟ آیا به کاری می‌پردازی و بقیه را می‌گذاری یا غصه‌ی کارهای مانده را بر دلت بار می‌کنی یا در هنگام تزامن، دنبال معیار و میزان می‌گردی؟ این میزان‌ها عبارت است از:

۱. بقره، ۱۸۳.

۲. نساء، ۷۷.

۳. «اتقوا الله فی عباده و بلاده فانکم مسؤولون حتی عن البقاع و البهائم». نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۶۷.

ا - توجه به عامل، جهت و اثر عمل

برای فهم حکم و حقیقت آن، توجه به امور پیش گفته لازم است. بدین سبب، مؤمن منتظر در حکمی که می شنود و عملی که می خواهد بیاورد، باید به این میزانها توجه کند که چه عاملی او را وادار می کند و چه جهتی او را می خواند و این عمل سازنده تر است یا عمل دیگر.

ب - اهمیت، صعوبت و مخالفت هوس

هنگامی که به دو کار برخورد می کنی، نگاه کن که خدا کدام یک را بهتر می پسندد و کدام یک اهمیت بیش تری دارد. اگر در نظر خدا برابر بودند، بین کدام بر تو سخت تر است. آن چه سخت تر است، سازنده تر خواهد بود؛ أفضل الأعمال أحمرها.^۱

آن جا که در صعوبت با هم یکسانند، معیار مخالفت با هوس در میان است. امام علی علیه السلام در شمارش خصلت های برادرش می فرماید:

و كان اذا بدده أمران ينظر أيُّهما أقرب إلى الهوى فيخالفه.^۲

آن جا که با دو کار ناگهانی روبه رو می شد، او مسلط بود می دید آن چه به هوا نزدیک تر بود، با آن مخالفت می کرد و آن را کنار می زد.

گفتنی است: این میزان حساب شده است؛ چون کاری که بر تو فشار بیش تری می آورد، به تو قدرت بیش تری خواهد داد و تو را به معراج بالاتری خواهد رساند.

ج - اصول عملیه (برائت، استصحاب، احتیاط، تخییر)

۱. بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۱۹۱: مجمع البحرين، ج ۴، ص ۱۶.

۲. نهج البلاغة، حکمت، ۲۸۹.

مؤمن هیچ گاه بن بستى ندارد؛ چون اگر در مقام عمل دچار شك شود، اصول عملیه در این گونه موارد راه گشاست و این از بزرگترین نعمت‌های اصول اسلامى است و ما از آن غافلیم. چون جایگاهش را نمى دانیم و فقط در احکام از آن استفاده مى کنیم.

۳. آسیب‌های عمل

از کتاب و میزان که بگذریم، در مرحله‌ی عمل به آفات عمل نیز باید توجه شود؛ چون مؤمن منتظر، ممکن است در مرحله‌ی عمل با آفت‌هایی روبه‌رو شود و تمام آن چه را به دست آورده، چون شیطان یک جا از دست دهد. برای این که منتظر در مرحله‌ی آمادگی عملی، از آفات مصون بماند، به نکات زیر نیز باید توجه داشته باشد:

۱. مبنای عملش جو و روح جمعی و چشم و هم چشمی نباشد، بلکه شهادت و دیدار آتش و بهشت باشد؛ مؤمن شغل من الجنة و النار امامه.^۱ هر کلمه و هر حرکت او یا به آتش یا به بهشت راه دارد؛ با این شناخت مشغول مى شود و از آفت توقع مزد و سپاس از دیگران رها مى شود و تا حد ایثار حرکت مى کند و تازه خود را بدهکار هم مى داند.

۲. منتظر عمل را جدا از حجم و مقدارش با توانایی خود باید بسنجد، نه با دارایی‌ها. زیرا: ﴿لَيْسَ لِلانسانِ الا ما سَعَى﴾^۲ با شناخت خصلت‌های عمل؛ یعنی سعی در زیاد شمردن کارهای خوب و کم دیدن کارهای شر، رهایی مى یابیم. چون خیری که زیادش مى بینى، عقیم مى ماند و شری که اندکش

۱. نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۶.

۲. نجم، ۳۲.

می شماری، فزونی می یابد. باید به عکس رفتار کرد تا خیرها زیاد شوند و شرها عقیم بمانند.^۱

۳. عمل منتظر در زمان و مکان مناسب باید انجام گیرد، چون درست است که تو این خون های خود را در راه امام حسین علیه السلام دادند، اما اگر این خون ها در روز تاسوعا به حسین می رسید، شاید عاشورایی پیش نمی آمد؛ ﴿سار عوا الی مغفرة من ربکم﴾.^۲

۴. منتظر از افراط و تفریط باید بپرهیزد و از سنت جدا نشود؛ لانیة الا باصابة السنة.^۳

۵. جهت و هدف عمل منتظر باید مشخص باشد؛ من ابدی صفحته للحق هلك.^۴ کسی که رو در روی حق حرکت کند، نابود می شود.

۶. منتظر به ظاهر عمل خود مغرور نشود که ارزش عمل متناسب با نیت است؛ حاسبوها قبل أن تحاسبوا^۵، نه حاسبوا أعمالکم؛ یعنی نیت های خود را محاسبه کنید.

۱. و استقلال الخیر و ان کثر من قولی و فعلی و استکثار الشر و ان قلّ من قولی و فعلی. مفاتیح الجنان،

دعای مکارم الاخلاق.

۲. آل عمران، ۱۳۳.

۳. تحف العقول، ص ۴۳.

۴. نهج البلاغة، خطبه ی ۱۶، سطر ۶.

۵. نهج البلاغة، خطبه ی ۹۰، سطر ۸.

فصل چہارم

مبادی

انتظار

انتظار مورد بحث ما، با انتظاری که یک اصل مسلم، در میان همه‌ی مدعیان نبوت مطرح است (فوتوریسم)^۱ فرق می‌کند. همه‌ی آنان، در انتظار یک وجود فرابشری‌اند که در آخرالزمان ظهور کرده، نظم و عدالت را به جهان باز خواهد گرداند؛ حتی هندی‌ها و اقوامی که هیچ وابستگی به امر قدسی ندارند، منتظر یک تحوّل جدید هستند.

اما حقیقت انتظار در اندیشه و فرهنگ شیعه، به نیاز و اضطرار ما به موعود؛ کسی که همه‌ی دین را در دل خودش دارد، تعبیر می‌شود. باید نسل معاصر خود را با این حقیقت آشنا کنیم که ما نیازمند طلایه داری هستیم که با وحی پیوند دارد؛ مخصوصاً در این زمان که انسان به قدرت‌های خودش نزدیک شده، بن بست‌ها و شکست‌ها را هنوز حس نکرده است، او دوری راه و سختی آن را هنوز باور نکرده است و فکر می‌کند که تجربه و علم و عقل و عرفانش بس است. این نگاه‌ها هم در اصل دین، هم در مبلغ و حامل آن (رسول خدا ﷺ) هم در حافظ دین (ولی معصوم علیه السلام)، تلقی ما از انتظار را به اضطرار و احتیاج به مهدی موعود، پیوند می‌زند و در نتیجه مبادی دیگری برای انتظار باید رقم زد.

۱. فوتوریسم (Fotorism) یعنی، اعتقاد به دوره آخرالزمان و انتظار ظهور منجی و مصلح جهانی.

یکم. بحران‌ها

بشر بحران زده‌ی این عصر، به جهت تشنگی فراوان روحی برای دستیابی به پایگاهی استوار و جاوید، هر روز به سوی سرمایه‌کشد؛ لیکن چون به سرچشمه‌ی حیات دست نمی‌یازد، به مرداب‌ها و باتلاق‌ها می‌رسد که نه تنها تشنگی او را رفع نمی‌کند، بلکه بر بیماری‌های روحی و جسمی او می‌افزاید.

اندیشه‌ی «مصلح جویی» را نتیجه‌ی اضطراب و خستگی از اوضاع مسلط بر جهان می‌توان دانست که متفکران تهی از معنویت را، به سمت ارائه‌ی نظریه‌ها یا اندیشه‌های نوین، برای دگرگون کردن این اوضاع فاسد‌کشانده است.

این بحران‌ها و بن‌بست‌ها، توده‌ی مردم را به ستوه آورده است؛ چنان‌که بارها، با فریاد اعتراض خود،^۱ راه‌گزیز از وضعیت فعلی را انتظار می‌کشند. بنابراین «انتظار» در بحران‌ها، ظلم و ستم‌ها، جهل و نادانی‌ها و فریب و رنج و فقر می‌تواند ریشه داشته باشد.

این بحران‌ها یکی از اساسی‌ترین ریشه‌های «انتظار» در توده مردم است. سوگمندان باید گفت که پیشرفت علوم طبیعی در جهان کنونی، نه تنها سبب انحطاط اخلاق و تحقیر انسانیت در جوامع بشری شده است؛ بلکه اصل حیات و بقای نسل بشر را در روی کره زمین به خطر افکنده است.

از طرف دیگر، درهای امید برای نجات از وضع کنونی بسته شده است و سازمان‌هایی که بدین منظور پدید آمده‌اند، کارآیی لازم را ندارند و ابزار دولت‌های بزرگ شده‌اند. تنها روزنه‌ی امید برای خروج از این نابسامانی‌ها،

۱. مجله نیوزویک News Week، ۲۳ آگوست ۱۹۹۹ در یک گزارش ویژه، جمله بسیار مهمی دارد: What Must Be Done? (چه باید کرد؟) انسان به بحران رسیده و انسانی که به به بحران برسد، ناخودآگاه چشمش به آسمان و آینده است. (به نقل از ماهنامه موعود، سال پنجم، شماره ۲۵).

یک انقلاب همه جانبه و ظهور «مصلح و منجی» جهانی است.

دوم. ساختار وجودی انسان و جهان متحول

ساختار وجودی انسان، به شکلی است که اگر تمامی لذت‌های دنیا را هم به او بدهند و به تمامی آرزوهای مادی خود برسند، آرام نمی‌گیرد و وجود او پر نمی‌شود. زیرا دل آدمی بزرگ‌تر از رحم دنیا است و با این امور محدود لبریز نمی‌شود.

داستان بن بست و کمبود معنویت انسان قرن بیست و یکم نیز بیانگر همین حقیقت است. بسیاری از دانشمندان غربی اعتراف می‌کنند که امروز دنیا به خستگی رسیده است... یکی از ویژگی‌های لذت جسمی، این است که انسان پس از مدتی به خستگی می‌رسد. در آمریکا اعلام شد: می‌خواهیم تظاهرات کنیم برای این که خدا برگردد.^۱

این ویژگی انسان، او را با عالم دیگر پیوند می‌دهد و ایمان به غیب و گرایش به ماورای حسیات را برای او به ارمغان می‌آورد. انسان وقتی ارزش وجودی خود را دریافت یا احتمال داد که دنیاها گسترده‌تری وجود دارد؛ احساس تنگنا می‌کند. با این شناخت است که دنیا زندان مؤمن می‌شود. چنان که امیر مؤمنان علیه السلام در خطبه‌ی متقین به این نکته اشاره فرموده است: «آنان با سرپوش اجل در دنیا نگه داشته شده‌اند.»^۲

آب درون ظرف، وقتی حرارت می‌بیند و ناخالصی‌هایش جدا می‌شود، سبک شده، بخار می‌گردد. اگر درپوش ظرف نباشد، پرواز می‌کند. آدمی نیز این

۱. ماهنامه موعود، سال پنجم، شماره ۲۵.

۲. لولا الأجل الذی کتب الله علیهم لم تستقرت أرواحهم فی أجسادهم... نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه‌ی ۱۹۳.

چنین به پرواز درمی آید و این بزرگی روح، به جهت ایمانی است که او را با عالم دیگر پیوند داده است.

دنیا برای او تنگ است، اما برای کافر بزرگ و بهشت است. چون چیز دیگری نمی خواهد؛ لیکن برای مؤمن زندان است^۱. چون به وسعت رسیده، دنیا، پیش او جز متاعی اندک چیز دیگری نیست.

انسان، همواره کنجکاو و پرسشگر است و این از خصوصیات فطری و ذاتی اوست. کودکان از بس می پرسند، اطرافیان را خسته می کنند؛ در حالی که پرسیدن را کسی به آنان یاد نمی دهد. این ویژگی در درون آدمی است؛ او می خواهد به عوالم دیگر راه پیدا کند. پیشرفت های علمی و فضایی قرن حاضر، به جهت همین حس کنجکاوی و ویژگی پرسشگری انسان است.

گویا آدمی مدام به دیوار می کوبد تا از آن طرف دیوار با خبر شود و از حصار دنیا رهایی یابد.

در اندرون من خسته دل ندانم چیست که من خموشم و او در فغان و در غوغاست^۲

وقتی نگاه انسان به دنیا، تغییر کرد و دنیاهای آینده را با تمام وجود طلبید؛ به دنبال شخصی می گردد که او را به آن سامان، ره نماید. او منتظر و نیازمند وجودی است که وی را با خود، به بلندای روح انسانیت ببرد. این انسان، به رغم برخورداری از رفاه، عدل ظاهری و... باز منتظر است؛ چون دو عنصر او را در التهاب و بیقراری نگه می دارد: ترکیب وجودی انسان؛ جهان متحوّل و چهار فصل.

رشد سریع اسلام در اروپا و سایر کشورهای غربی، با وجود برخورداری از

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۶۳، ج ۵۷۶۲؛ الدنیا سجن المؤمن و جنة الکافر.

۲. حافظ.

امکانات مدرن، از همین ویژگی خبر می‌دهد. احساس غربت ناشی از زندگی صنعتی، در مقابل معنویت و صمیمیت دین، سبب شده تا انسان مجهز به تکنیک و فن آوری، با مذهب پیوند بخورد. زیرا علم و دانش هرچند بسیاری از سؤالات انسان را پاسخگوست و قدرت و صنعت هم امکانات و رفاه را برای آدمی به ارمغان می‌آورد، اما انسان با این امکانات زودتر به بن‌بست می‌رسد.

وی قبل از رسیدن به این امکانات، خیال می‌کرد با آن‌ها به آرامش می‌رسد و با این آرزو تا مدتی دلخوش بود؛ اما با دست یافتن به رفاه، در واقع به آخر خط رسیده است. چون احساس غربت و تنهایی او بیشتر شده، فریاد اعتراض انسان معاصر بلندتر از دیروز به گوش می‌رسد.

اوژن یونسکو، نویسنده‌ای که با نوشتن نمایشنامه‌های پوچی مثل کرگدن و آوازه خوان طاس شهرت یافت، در آخرین مصاحبه‌اش می‌گوید:

... حقیقت این است که ادبیات دیگر چیز مهمی به من نمی‌گوید...

من یک عمر به نوشتن نمایشنامه، پشت نمایشنامه ادامه دادم. چون کار

دیگری نمی‌توانستم بکنم؛ اما همیشه حسرت این را داشتم که کاش

توانسته بودم کار دیگری بکنم... کاش استعدادش را داشتم که راهب

بشوم... تنها یک امید باقی می‌ماند، روز رستاخیز.^۱

ناتانیل براندون درباره‌ی همین پوچی و کمبود معنوی می‌نویسد. او نخست مردی را وصف می‌کند که جذاب، چهل ساله، با حرارت و پیرانرژی، شیک، خوشگذران و متجدد است. از مسافرت‌ها و عیاشی‌هایش تعریف می‌کند، اما ناگهان با همه توصیف‌ها، درخواست گفت‌وگویی خصوصی و صمیمانه را

۱. از پوچی تا خدا، ترجمه‌ی سعید شهرتاش (به نقل از انتظار و انسان معاصر، عزیز الله حیدری).

می‌کند و می‌گوید: ناتانیل! من می‌خواهم هر طور هست، با تو مطلبی را در میان بگذارم. می‌خواهم یک روز نهار را با هم بخوریم، تا پیش تو درد دل کنم. من این کمبود درونی خود را نمی‌توانم تحمل کنم. سپس دستش را روی سینه گذاشت و گفت:

این درون، از همه چیز تهی است، هیچ چیز در این سینه نیست، نه احساس و نه هیچ چیز دیگری، زبانم از گفتن قاصر است. بیان کردنی نیست، نمی‌دانم چگونه آن را شرح دهم...^۱

سوم. ناتوانی مدعیان اصلاح

آدمی از گذشته تا کنون، همواره در فکر اصلاح جوامع بشری بوده، راه‌های بسیاری را برای رسیدن به آن پیش نهاده است؛ اما آن چه نصیب وی شده، کابوس وحشتناک یأس و ناامیدی است. افلاطون، جامعه‌ی ایده‌آلی را طراحی کرد که در آن، نه از ستم اثری است، نه از فقر و بدبختی؛ غایت نظام سیاسی او، پیدایش مدینه‌ی فاضله است.

توماس کامپانلا طرح شهر آفتاب و کشور خورشید؛ ویکتور هوگو اندیشه‌ی جمهوری جهانی، آگوست کنت ایجاد جامعه‌ی تئوکراتیکی را که در آن هیبتی از عقلا حکومت می‌کنند، پیشنهاد کرده‌اند. تامس مور نیز «بهشت»ی را ترسیم کرده که برای رسیدن به همان جهانی است که همه‌ی مردم آن، در سایه‌ی قانون و عدالت، یکسان زندگی می‌کنند.^۲

آلویس تافلر، مشاور سیاستمداران آمریکا برای حل این بحران و اصلاح

۱. ناتانیل براندون، انسان بدون خویشتن، ترجمه‌ی جمال هاشمی، ص ۲۷ و ۲۸ (به نقل از انتظار و انسان معاصر، عزیز الله حیدری).

۲. ر.ک: موج انتظار، صص ۱۴۱، ۱۴۳.

جامعه‌ی جهانی، نظریه‌ی موج سوم^۱ را طرح کرده است؛ ولی در عین حال اعترافات شگفت‌آوری در این زمینه دارد:

فهرست مشکلاتی که جامعه‌ی ما (غرب) با آن روبه‌روست، تمامی ندارد. با دیدن فروپاشی پی‌اپی نهادهای تمدن صنعتی در حال نزاع به درون غرقاب بی‌کفایتی و فساد؛ بوی انحطاط اخلاقی آن نیز مشام را می‌آزارد. در نتیجه موج ناخشنودی و فشار برای تغییرات، فضا را انباشته است.

در پاسخ به این فشارها، هزاران طرح ارائه می‌شود که همگی ادعا دارند بنیادی، حتی انقلابی‌اند؛ اما بارها و بارها، مقررات و قوانین، طرح‌ها و دستورالعمل‌های جدید - همگی به منظور حل مشکلات تهیه شده‌اند - کمانه می‌کنند و بر وخامت مشکلات می‌افزایند و این احساس عجز و یأس را دامن می‌زنند که هیچ فایده‌ای ندارد و مؤثر نیست.

این احساس برای هر نظام دموکراسی خطرناک است و نیاز شدید به وجود مرد سوار بر اسب سفید ضرب‌المثل‌ها را هر چه بیشتر دامن می‌زند.^۲

بنابراین، عامل سوم انتظار، نارسایی و ناتوانی در کسانی است که ادعای اصلاح دارند؛ اما در زمینه‌ی شناخت آدمی و مشکلات او ناتوان‌اند و در اندیشه‌های خود، به یک نژاد برتر معتقدند و ملت‌های دیگر را فراموش می‌کنند.

۱. ایشان معتقد است تا به حال دو انقلاب کشاورزی و صنعتی تحول عظیمی در جهان پدید آورده

است و موج سوم، انقلاب الکترونیکی و فراصنعتی، در راه است.

۲. به سوی تمدن جدید، تافلر، محمد رضا جعفری.

وقتی انسان، این مدعیان ناتوان را می بیند و عجز و محدودیت آنان را حس می کند، تجربه جدیدی از انتظار می یابد. گویا این عبارات جان تازه ای می گیرد: وقتی مهدی فاطمه ظهور کند، زمین از عدل و داد پر می شود، همان گونه که از ظلم و جور پر شده بود.

چهارم. ملاقاتها و راهنماییها

روی بنما و وجود خودم از یاد ببر خرمین سوختگان را همه گو باد ببر^۱
عامل چهارم انتظار، در ملاقاتها و هدایت های او در برهه های مختلف زمان، متبلور است. او همچون فرشته ای مهربان و راهنمایی دلسوز افرادی را انتخاب و از جام ملاقات، سرشار می سازد. مشکلات و گرفتاری های عده ای نیز با توسل به آن حضرت به شکل معجزه آسایی حل می شود. این گونه برخوردها بدین جهت است که در عصر حاکمیت غفلت و بی خبری، ریشه های انتظار تقویت شود.

اصولاً این سنت الاهی است که در متن سرگرمی ها و لهو و لعبها، آهنگ بیداری و نوای هدایت نواخته می شود؛ مثلاً در زمان انکار قیامت «عزیر» پیامبر صد سال به خواب می رود و دوباره بیدار می شود یا داستان اصحاب کهف رخ می دهد تا به رگ های بی رمق جامعه ای آن روز روح تازه ای دمیده شود و انسانها، از نعمت هدایت بهره مند شوند.

امروز نیز دعوتها و هدایت های بیشماری از سوی حضرت ولی عصر علیه السلام، با همین انگیزه صورت می گیرد؛ حتی گرفتاریها و بلاها نیز به طور مستقیم یا

غیر مستقیم^۱ یا به وسیله‌ی دعای آن حضرت بر طرف می‌شود.^۲
اصولاً بهره بردن از آن حضرت در دوره‌ی انتظار، دلیل دیگری بر حضور صاحب عصر و تقویت ریشه‌های انتظار است؛

الانتفاع بی فی غیبتی فکالانتفاع بالشمس اذا غیبتها عن
الأبصار و السحاب؛^۳ بهره بردن از من در عصر غیبتم مانند بهره
بردن از آفتاب است هنگامی که زیر ابرها باشد.

حضور حضرت مهدی علیه السلام در میان مردم، خود گواه روشنی بر این مدعا
است؛

... أن یكون صاحبکم المظلوم المحجود حقّه، صاحب هذا
الامر یتردّد بینهم و یمشی فی أسواقهم و یطأ فرشهم و
لا یعرفونه حتی یأذن الله أن یعرفهم نفسه...؛^۴ ... صاحب این
امر در میان مردم راه می‌رود، در بازارهایشان رفت و آمد می‌کنند،
و روی فرش‌هایشان گام می‌گذارد؛ ولی او را نمی‌شناسند، مگر این
که خداوند به او اجازه دهد تا خودش را به آنان بشناساند.

حضور همیشگی حضرت ولی عصر (عج) نیز در موسم حج، دلیل روشنی

۱. انا غیر مهملین لمراعاتکم و لا ناسین لذکرکم و لولا ذلك لنزل بکم الآوا و اصطلمکم الأعداء؛ احتجاج
طبرسی، ج ۲، ص ۵۹۶؛ در توقیعی که برای شیخ مفید صادر شده، آمده است که مادر رسیدگی و
سرپرستی شما کوتاهی نکرده، شما را از یاد نبرده‌ایم، و گرنه دشواری‌ها و مصیبت‌ها بر شما فرود
می‌آمد و دشمنان بر شما چیره می‌شدند.

۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۱.

۳. مفاتیح الجنان، دعای ندبه؛ این المضرّ الذی یجاب اذا دعا.

۴. الغیبة، نعمانی، ص ۸۴، کافی، ج ۱، ص ۳۳۶؛ مکیال المکارم، ج ۲، ص ۳۷۵.

بر آگاهی ایشان از احوال مسلمین است.^۱

از ادعیه، توقیعات، زیارت‌نامه‌ها و روایات، بر می‌آید که آن حضرت عنایت خاصی نسبت به وضع شیعیان دارند. در توقیعی که برای شیخ مفید رحمته صادر شده، آمده است:

فأنا نحيط علماً بأنبائكم و لا يعزب عنا شيء من أخباركم؛^۲ ما بر اخبار و احوال شما آگاهیم و هیچ چیز از اوضاع شما بر ما پوشیده نمی‌ماند.

حضرت در این دوران، تأثیر و نظارت مستقیمی بر احوال شیعیان دارند. دستگیری از درماندگان^۳ راه‌یابی گمشدگان و... برخی از کارهای امام عصر (عج) است که با هدف تقویت مبادی «انتظار» صورت می‌گیرد.

داستان‌های ملاقات و راهنمایی‌های مکرر در تاریکی‌های شبهات و ضلالت‌ها، با مردی که خصوصیات مهدی فاطمه (عج) را دارد، ریشه‌های انتظار را تقویت و کام تشنه عاشقان را آبیاری می‌کند. شاید در انتظار محبوب عارفان، به خود آیند و با ایجاد آمادگی و کوشش فراوان، لیاقت بهره‌مندی از حضرتش را بیابند. اکنون به ذکر یک نمونه‌ای بسنده می‌کنیم:

۱. يحضر الموسم كل سنة فيرى الناس فيعرفهم و يروونه و لا يعرفونه؛ آن حضرت هر سال در موسم حج حضور می‌یابند، همگان را می‌بینند و می‌شناسند؛ اما دیگران او را می‌بینند، ولی نمی‌شناسند؛ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۴۴۰.

۲. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۵۹۶.

۳. برای مطالعه در این زمینه ر.ک: توجهات ولی عصر (عج) به علما و مراجع، عبدالرحمان باقی‌زاده؛ سیمای آفتاب، حبیب‌الله طاهری؛ ظهور مهدی از دیدگاه اسلام، عبدالله هاشمی شهیدی و....

□ هنگامی که بحرین اسیر سرسپردگان استعمار بود و فرمانروایی ناصبی و وزیری متعصب برگرفته مردم سوار بود، وزیر حيله گر نقشه‌ای ریخت تا شیعیان آن سامان را ذلیل کند، اناری را به دست حاکم داد که به شکلی باور نکردنی واژه‌هایی بر آن نقش بسته بود (لا اله الا الله، محمد رسول الله، ابوبکر و عمر و عثمان و علی خلفاء رسول الله).

فرمانروا در حالی که مقهور این داستان شده بود و دست آویز خوبی برای خواری شیعیان به دست آورده بود، از وزیر نظرخواهی کرد و او که منتظر چنین لحظه‌ای بود، گفت: بزرگان شیعه را حاضر می‌کنیم و معجزه را به آنها نشان می‌دهیم؛ اگر قبول کردند که از مذهب خود دست می‌کشند، و گرنه آنها را در انتخاب سه چیز مخیر می‌کنیم: پاسخی قانع‌کننده بیاورند. جزیه بدهند. مردانشان را می‌کشیم و زنان و فرزندانشان را اسیر می‌کنیم و اموالشان را به غنیمت می‌بریم. دانشمندان شیعه را احضار کردند و با طرح مسئله، از آنها جواب طلبیدند. آنان نیز سه روز مهلت خواستند و پس از گفت‌وگوهای بسیار از میان خود ده نفر و از میان آن ده نفر سه نفر از بهترین‌ها را برگزیدند و هر شب یکی از آنها برای حل ماجرا روانه‌ی بیابان شد.

دو شب گذشت، دو نفر رفتند و بی جواب برگشتند تا نوبت به نفر سوم رسید که از همه پرهیزکارتر بود. این گل سرسبد همین که به صحرا رسید، با گریه و زاری از حضرت درخواست کمک کرد. چون آخر شب شد، شنید مردی خطاب به او می‌گوید: ای محمد بن عیسی چرا تو را به این حال می‌بینم و چرا به سوی بیابان آمدی؟ محمد بن عیسی از او می‌خواهد که وی را رها کند و به حال خود واگذارد.

آن مرد می‌فرماید: ای محمد بن عیسی منم صاحب الزمان حاجت خود را

بازگو. محمد در حالی که اشکش جاری شده بود و شوق و التهابش به جایی رسیده بود که خود را نمی شناخت، از او پرسید: اگر تو صاحب الزمانی داستان مرا می دانی و به گفتن من نیازی نیست.

آن مرد فرمود: راست می گویی، سپس افزود: ای محمد بن عیسی! در خانه آن وزیر درخت اناری است. هنگام میوه دادن درخت، او از گِل قالبی به شکل انار ساخت، آن را نصف کرد و در میان آن، این جمله را نوشت سپس قالب را به روی انار کوچک، گذاشت و آن را بست. چون انار در میان آن قالب بزرگ شد، آن واژه ها بر روی آن نقش بست.

فردا نزد فرمانروا می روی و به او می گویی که من پاسخ تو را در خانه ی وزیر می دهم. چون به خانه وزیر رفتید، پیش از وزیر به فلان جا برو. کیسه ی سفیدی خواهی یافت که قالب گِل در آن است، آن را به فرمانروا نشان ده. همچنین به فرمانروا بگو: معجزه دیگر ما این است که چون انار را دو نیم کنید، جز دود و خاکستر چیزی در آن نیست.

محمد بن عیسی ناگهان خود را در صحرا تنها دید و پس از تأملی به خود آمد و از هجران امام غمگین شد، اما با شادمانی به نزد شیعیان بازگشت. روز دیگر، آنان پیش فرمانروا رفتند و هر آنچه امام زمان (عج) فرموده بود، آشکار گشت. فرمانروای بحرین با دیدن این معجزه شیعه شد و دستور داد وزیر حيله گر را اعدام کردند.^۱

پنجم. بشارت ها

یکی از عواملی که سبب آمادگی و عامل حرکت و پویایی است،

۱. نجم الثاقب، ص ۳۱۴.

بشارت‌هایی است که آدمی را به آینده امیدوار می‌سازد و چشم به راهی، لحظه شماری به همراه کار و حرکت و تلاش را به او ارزانی می‌دارد؛ اساساً داشتن تصویری از آینده - هر چند مبهم و مجمل باشد - این خاصیت را دارد که زندگی انسان را هدفمند ساخته، او را از پوچی و سرگردانی نجات می‌دهد.

اصولاً آینده‌شناسی، در پرتو پیش‌بینی‌های دینی روشن می‌شود. این تجربه‌ی مکرر آدمی است. در طول تاریخ، پیامبران الهی پیش‌گویی‌هایی داشته‌اند که همه به حقیقت پیوسته است. این پیش‌گویی‌ها بود که سلمان‌های تاریخ را به انتظاری پویا و حرکت آفرین کشاند؛ چنان که وی را از خانه و خواب و راحت و آسایش جدا ساخت و سرانجام به آغوش حقیقت و به نقطه‌ی اوج رشد و آگاهی رساند.^۱

این سنت تغییرناپذیر الهی است که با بشارت‌هایش، همیشه انسان‌ها را از رکود، یأس و ناامیدی درآورده، به حرکت، تلاش و امیدواری سوق می‌دهد. وعده‌ی تحقق حکومت حق در این دوران بشارت داده شده، در این زمینه آیات بی‌شماری نازل شده است. قرآن مجید می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾؛ ما در زبور، پس از ذکر (تورات) نوشته‌ایم که سرانجام، زمین را بندگان شایسته‌ی ما به ارث می‌برند [و بر کوه‌ی زمین حاکم می‌شوند].^۲

۱. عن ابی عبدالله علیه السلام قال کان سلمان رحمه الله... (امام صادق علیه السلام فرمود: سلمان نزد بسیاری از دانشمندان رفت. آخرین نفری که نزد او رفت، ابی بود. وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله ظهور کرد، او به سلمان گفت: آن رفیقت که در موردش جست‌وجو می‌کنی، در مکه ظهور کرده است. سلمان بلافاصله با شنیدن این سخن به آن سمت شتافت. کمال‌الدین، ج ۲، باب ۶۲، حدیث ۶.

۲. انبیاء، آیه ۱۰۵.

این آینده‌شناسی، انتظار را به ارمغان می‌آورد و به همین دلیل در قرآن آمده است: ﴿فانتظروا انی معکم من المنتظرین﴾^۱.
افزون بر آن، در روایات بی‌شماری به این بشارت‌ها اشاره و بدان دستور داده شده است: انتظرو الفرج و... أفضل العبادة المؤمن انتظار فرج الله.^۲

طبق فرموده‌ی امام باقر علیه السلام بندگان شایسته‌ای که وارثان زمین می‌شوند، اصحاب مهدی علیه السلام در آخر الزمان هستند؛ مجمع البیان، ج ۷، ص ۶۶.
۱. محمد بن ابی نصر از حضرت رضا علیه السلام نقل می‌کند چه نیکوست صبر و انتظار فرج، آیا این سخن الاهی را شنیده‌ای: مراقب باشید که من هم با شما مراقبم، پس منتظر باشید که من هم با منتظرانم. پس بر شما باد صبر. زیرا فرج در حال یأس فرا می‌رسد؛ تفسیر برهان.
۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۳۱.

فصل پنجم

بایسته‌های

انتظار

حرکت، ره آورد طبیعی انتظار است. آنان که عظمت درونی خویش را یافته‌اند، آنان که ابراهیم گونه سرود: ﴿إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي سَيِّدِينَ﴾^۱ را سر می‌دهند، آنان که فرجام هدایت آمیز حرکت و تلاش را می‌دانند، وه چه شیرین، جرعه جرعه از هدایت‌های مستمر حق بهره‌مند می‌شوند.

آنان، با تمام وجود، روی خود را به آسمان دوخته، ندای: ﴿إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾^۲ را زمزمه می‌کنند و این گونه ظهور هادی امت را به انتظار می‌نشینند.

اصولاً، کسی که در انتظار است، بی تفاوت و بی خیال نیست. حضرت یعقوب علیه السلام منتظر یوسف علیه السلام بود، ولی بیکار نبود. به فرزندانش گفت: بروید و به دنبال یوسف و برادرش بگردید و از روح و رحمت خدا ناامید نشوید.^۳ همین تعبیر در مورد حضرت مهدی (عج) وارد شده است: «منتظر فرج باشید و از روح و رحمت خدا ناامید نشوید.»^۴

۱. صافات، ۹۹.

۲. انعام، ۷۹.

۳. ﴿يَا بَنِي إِدْرِيْسَ أَذْهَبُوا فَتَحَسَّبُوا مِنْ يَوْسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَيْسَبُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ﴾. یوسف: ۸۷.

۴. «انتظروا الفرج فلا تياسوا من روح الله». (بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۳)

بنابراین، فرزندان انتظار، آداب و وظایفی را دنبال می‌کنند؛ چون، این خاصیت انتظار است که بر حالت و رفتار و عمل منتظر اثر می‌گذارد. اکنون به شماری از این وظایف اشاره می‌شود:

یکم - اقبال

آنان که از تدبیر بهره گرفته‌اند، از کنار حادثه‌های پیش پا افتاده، به سادگی نمی‌گذرند. زیرا دریافته‌اند که در کنار هر اتفاقی هر چند کوچک، درسی و اندرزی وجود دارد. امام کاظم علیه السلام هم به این مسئله اشاره دارند: ما من شيء تراه عينك إلا وفيه موعظة؛^۱ آن چه را چشمان تو می‌بیند، موعظه و پندی در آن، است.

آنان که به زندگی خود و دیگران توجه ویژه‌ای دارند، دست هدایت مهدی فاطمه علیها السلام را در هدایت خودشان و دیگران، به خوبی می‌بینند و مساعدت‌های پیدا و پنهان محبوب را لمس، و حضور مهربان او را حس می‌کنند. آنان، به او، رو می‌آورند صدایش می‌زنند و می‌خوانند: إنا توجّهنا واستشفعنا و توسّلنا بك إلی الله...^۲

مفهوم اقبال

در مفهوم اقبال و رو آوردن، دو نکته نهفته است:

معنای نخست؛ رو آوردن و دل دادن به محبوب است، به خاطر بزرگی و جمال و هیبت و شعور و یافتن تمامی خواسته‌ها و آرزوها در وجود او، تا بدین وسیله از منش او پیروی کند و راه‌های پر پیچ و خم را با او به سر منزل مقصود

۱. آمالی، صدوق، ص ۵۹۹؛ بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۳۲۴، ح ۱۴.

۲. مفاتیح الجنان، دعای توسل.

برساند.^۱

رویکرد به مهدی، این معنا را با خود دارد. در رسیدن به این هدف، چند عنصر نقش دارد: شناخت؛^۲ تجربه‌ی محبت و عنایت، تجربه‌ی ضعف‌ها و محدودیت‌ها در دیگران؛ تجربه‌ی بن بست‌ها و احساس تنگناها.

أ. شناخت

اقبال قلبی، از شناخت و احساس محبت مایه می‌گیرد. از این رو، مهم‌ترین وظیفه‌ای که هر شیعه‌ی منتظر بر عهده دارد، کسب معرفت نسبت به وجود مقدّس امام و حجّت زمان خویش است. این موضوع، تا بدان درجه از اهمّیت است که در روایات بسیاری، اعم از شیعه و سنی، مطرح شده است.

ب. تجربه‌ی محبت و عنایت از محبوب و ضعف و محدودیت از دیگران

آنان که در این هستی، محبوب‌ها و رهبران دیگر را آزموده‌اند و به ضعف‌ها و محدودیت‌ها و پستی‌ها و زشتی‌های آنان آگاه شده‌اند، وقتی از زبان وحی می‌شنوند: «ولّیّ ما، به ما، از خودمان مهربان‌تر^۳ و آگاه‌تر است»، تمام توجهش به

۱. مسئله‌ی اقبال و ارتباط برقرار کردن با حضرت، از چنان اهمّیتی برخوردار است که به آن امر شده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا و صَابِرُوا و رَابِطُوا﴾ (آل عمران: ۲۰۰). امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه فرمودند: «پایداری کنید بر ادای واجبات و در برابر دشمنان استقامت بورزید و با امام خود پیوند برقرار کنید. *التحصين و صفات العارفين*، احمد بن محمد بن مهد حلّی، ترجمه‌ی سید علی جبار گلباغی، ص ۳۳-۵۲.

۲. امام صادق علیه السلام فرمود: «مَنْ بَاتَ لَيْلَةً لَا يَعْرِفُ فِيهَا إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةَ جَاهِلِيَّةٍ؛ هر کس شبی را سپری کند و در آن شب، امام زمان خود را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است. *الغیبة*، نعمانی، ص ۱۲۷، ج ۱.

۳. امام صادق علیه السلام فرمود: *والله لأنا أرحم بكم منكم بأنفسكم؛ به خدا سوگند! من نسبت به شما، از خود شما مهربان‌ترم.* (مکیال المکارم، ج ۱، ص ۹۳-۹۴).

او معطوف می‌شود تا جایی که در کوچک‌ترین رفتارش، حتی صدقه دادنش،^۱ او را بر خودش پیش می‌اندازد و قبل از این که به سلامتی خود فکر کند، تندرستی و رفع بلا از او را خواهان است تا جایی که او را بر وجود خود حاکم می‌کند و نسبت به خودش اولی می‌داند.^۲

چگونه می‌شود آن مهربانِ غایب را دوست نداشت، در حالی که او، نسبت به ما، مهربان و سبب دفع بلاها و گرفتاری‌ها است^۳ و ایمنی بخش اهل زمین است^۴ و در غم ما، اندوهگین، و از شادی ما، خرسند می‌گردد و در فکر وضعیّت شیعیان است، گرچه در مشرق یا مغرب زمین باشند.^۵

۱. سید بن طاووس، به فرزند خود، درباره‌ی آداب و وظایف یک مسلمان شیعه نسبت به صاحب الزمان (عج) چنین سفارش می‌کند: «صدقه دادن از سوی آن حضرت را پیش از صدقه دادن برای خودت و عزیزانت قرار ده، و دعا برای آن حضرت را مقدم بدار بر دعا کردن برای خودت، و نیز در هر کار خیری که مایه‌ی وفا به حق آن حضرت است، آن بزرگوار را پیش انداز. زیرا سبب می‌شود که به سوی تو توجه فرماید و به تو احسان کند.» مکیال المکارم، ج ۲، صص ۲۸۸-۲۹۷ و ۳۵۱-۳۵۷.

۲. مکیال المکارم، ج ۱، ص ۳۹، ح ۵۱: عن الحسين بن علي عليه السلام، قال، قال رسول الله صلى الله عليه وآله لعلي عليه السلام: أنا أولى بالمؤمنين منهم بأنفسهم ثم أنت يا علي! أولى بالمؤمنين من أنفسهم ثم... والحجة بن الحسن أولى بالمؤمنين من أنفسهم.

۳. أنا خاتمُ الأوصياء و بي يرفع الله البلاء عن أهله و شيعته؛ خدا، به سبب من، از خاندان و شیعیانم بلا را دور می‌گرداند. (کمال الدین، ج ۲، ص ۴۴۱، ح ۱۲؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۵ و ۳۰).

۴. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۱؛ کمال الدین، ج ۲، باب ۵۰، ح ۴.

۵. امام رضا عليه السلام فرمود: ما من أحد من شيعة... و لا تغتم إلا اغتمنا لغمّه و لا يفرح إلا فرحنا لفرحه و لا يغيب عنا أحد من شيعةنا [ما] كان في شرق الأرض و غربها، و من ترك من شيعةنا ديناً فهو علينا؛ هیچ یک از شیعیان ما غمگین نمی‌شود، مگر این که ما نیز در غم آنان اندوهگین هستیم و از شادی آنان خرسند و هیچ یک از آنان در مشرق و مغرب زمین از نظر ما دور نیستند. هر یک از شیعیان ما که پس از مرگش بدهی داشته باشد، ادای آن بر عهده‌ی ماست (مکیال المکارم، ج ۱، ص ۴۵۴).

ج. تجربه‌ی بن بست‌ها و احساس تنگناها

توجه به مهدی علیه السلام تجربه‌ی بن بست‌ها و احساس تنگناها را می‌خواهد. برای کسی که دنیا، هنوز وسعت دارد و به مال و ثروت و همسر و فرزند و... وابسته است، در خیمه‌ی مهدی فاطمه علیها السلام جایگاهی ندارد.

باید دانست که اموال و اولاد، فتنه نیستند. وابستگی به آن‌ها فتنه است. مثل مال و انسان، مثل آب و کشتی است. اگر آب بیرون از کشتی باشد، وسیله‌ی خوبی برای حرکت کشتی است، اما اگر داخل کشتی شود، سبب هلاکت است. مال هم اگر بیرون از دل باشد، مرکب خوبی است، ولی اگر داخل دل باشد، سبب هلاک است.^۱

اساساً، زهد آزادی است، آزادی از هر آن چه رنگ تعلق به خود گیرد. حافظ می‌گوید:

غلام همت آنم که زیر چرخ کبود زهر چه رنگ تعلق پذیرد، آزاد است
منتظر مهدی (عج) آزادمردی است که دادن‌ها و گرفتن‌ها، در وجود او
موجی پدید نمی‌آورد.^۲

منتظر مهدی فاطمه علیها السلام به دنیا قانع نیست، بلکه جایگاه بلندتری را

۱. سخنان استاد جوادی آملی در تفسیر آیه‌ی بیست و هشتم سوره‌ی مبارکه‌ی انفال؛ ﴿إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ﴾.

۲. علی علیه السلام می‌فرماید: الزهد کُلُّهُ بَیْنَ کَلِمَتَیْنِ مِنَ الْقُرْآنِ. قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: لَکِیْلًا تَأْسُوا عَلَی مَا فَاتَکُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاکُمْ وَمَنْ لَمْ یَأْسِ عَلَی الْمَاضِیِّ وَ لَمْ یَفْرَحْ بِالْآتِیِّ، فَقَدْ أَخَذَ الزَّهْدَ بِطَرَفِیْهِ؛ زهد، در دو جمله از قرآن خلاصه شده: «متأسف نشوید بر آن چه از شما فوت می‌شود» و «شاد نگردید به آن چه به شما می‌دهند». هر کس بر گذشته اندوه نخورد و برای آینده و آن چه به دست می‌آورد، خوش حال نگردد، بر هر دو جانب زهد دست یافته است. نهج البلاغه، ترجمه‌ی محمد دشتی، حکمت ۴۳۹.

می‌طلبد. چون در چشم تیزبین او، دنیا بد نیست، بلکه اندک است.^۱
معنای دوم؛ روی آوردن به جهت حضور در کنار محبوب است تا با این حضور و انتساب، کسب آبرو کند. و جاهت و شرافت و مقبولیتی را که هرگز به طور طبیعی نمی‌توانسته کسب کند، بدین وسیله به دست می‌آورد.

انسان‌ها در زندگی خود به دنبال پیدا کردن موقعیت اجتماعی خوبی هستند و تمام تلاش خود را در این زمینه انجام می‌دهند تا به این هدف ارزشمند برسند. آنان که به کلاس‌های بالاتری راه پیدا کرده‌اند و ارزش‌های انسانی خود را کشف کرده‌اند و استعدادهای ویژه و برتر خود را یافته‌اند و به استخراج و بهره برداری از آن مشغولند، آبرومندی را در جای دیگری دنبال می‌کنند.

آنان، آبرو را در نزد امام حسین علیه السلام می‌جویند و این دعا را بسیار می‌خوانند:

اللهم اجعلني عندك وجيهاً بالحسين عليه السلام في الدنيا والاخرة^۲

و در نتیجه، خدا، خریدارشان می‌شود؛

﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾^۳

و جاهت در حضور حق و در محضر او، برای کسانی است که از غیر او رو برگردانده. به همین سبب، منتظر مؤمن، تمام توجه و وفای خود را در این راه مصرف می‌کند و به درجه‌ای می‌رسد که «افضل اهل هر زمان» لقب می‌گیرد؛
المنتظرون لظهوره افضل كل زمان...^۴

۱. توبه: ۳۸ ﴿فَمَا مَتَاعِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ﴾.

۲. مفاتيح الجنان، زیارت عاشورا.

۳. توبه: ۱۱۱.

۴. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲.

دو. میثاق

﴿... الَّذِينَ يوفون بعهد الله ولا ينقضون الميثاق﴾^۱؛ فرزند انتظار، با توجه و اقبال قلبی، ارتباط میان خود و حجت حق را نیرومند می‌سازد و تا جایی پیش می‌آید که نه تنها توقعی از او ندارد، بلکه متعهد می‌شود تمام دارایی‌هایش، خانواده‌اش، هستی‌اش و تمام آن چه را خدا به او عطا کرده، در راه محبوب به مصرف برساند و این سرود همیشگی اوست که هر روز با ولی و امام زمانش زمزمه می‌کند: **وأبذل مالي و أهلي و نفسي...^۲** او می‌داند که آن چه نزد ما می‌ماند، نابود شدنی است و آن چه نزد «ولی» است، ماندگار و جاویدان است؛ ﴿ما عندكم ينفد و ما عند الله باق﴾^۳

تو می‌خواهی آن چه را خدا به تو بخشیده، در راه او ببخشی. این بذل به دست آوردن و از تباه شدن دارایی جلوگیری کردن است. چگونه ممکن است قرض دادن به یک مؤمن، سبب تضاعف و ازدیاد آن شود و در راه ولی خرج کردن و به او سپردن و با او معامله کردن چنین نباشد؟ در واقع، مؤمن منتظر، با این کار، تجدید بیعت می‌کند.^۴

۱. الرعد: ۱۹. کسانی که به عهد و پیمان با خدا، وفا دارند و تعهدات خود را نقض نمی‌کنند.

در این باره، روایات فراوانی وارد شده است. از امام صادق علیه السلام روایت شده: نحن ذمة الله و عهد الله فَمَنْ وَفَى بعهدهنا فقد وَفَى بعهد الله و مَنْ خَفَرَهَا فقد خَفَر ذمة الله و عهده؛ ما، عهد خدا هستیم. هر کس به عهد ما وفا کند، پیمان با خدا را به جا آورده، هر کس عهد ما را نقض کند، پیمان خدا را شکسته است. مکیال المکارم، ج ۱، ص ۳۹۵.

۲. مفاتیح الجنان، زیارت دوم حضرت صاحب الامر: «پس بذل می‌کنم خانواده‌ام و ثروتم و خودم و آن چه را پروردگارم عطا کرده است... و آن، عهد من است و میثاقم نزد تو. چون تو، نظام دینی و پیشوای متقیان هستی...»

۳. النحل: ۹۶.

۴. صحیح مسلم، ج ۳، ح ۱۴۷۸؛ هر کس بمیرد در حالی که نسبت به امام مسلمانان، بیعتی برگردن

برای تجدید بیعت با حضرت صاحب الامر، دعای عهد، میثاق نامه‌ای زیبا است. امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

هر کس، چهل صباح، این دعا را بخواند، از یاوران حضرت قائم (عج) خواهد بود. اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد، خدای تعالی، او را زنده خواهد کرد تا در رکاب آن عزیز جهاد کند.^۱

انسان، با این تجدید عهد، متعهد می‌شود که از هر گونه سستی و انحرافی دوری گزیند؛ برای صاحب امر، غیبتی طولانی است. در این دوران، هر کسی باید تقوا پیشه سازد، و چنگ در دین خود زند.^۲

اگر مؤمنان به میثاق با خدا پابند باشند، یقیناً، زمان ظهور فرا خواهد رسید. چه خوب است به ندای زیبایش در این زمینه، گوش جان بسپاریم. آن حضرت فرمود:

لو أشیاعنا، وفَّقهم الله لطاعته، علی اجتماع من القلوب
فی الوفاء بالعهد علیهم لما تأخر عنهم الیمن بلقائنا...؛^۳ اگر
شیعیان ما که خدا توفیقشان دهد، در راه ایفای پیمانی که بر عهده
گرفته‌اند، همدل می‌شدند، میمنت ملاقات ما از ایشان به تأخیر
نمی‌افتاد.

بنابراین، تا استعداد حضور حضرت را پیدا نکنیم، از فیض دیدار خبری نیست. امام (عج) منتظر آمادگی و تجدید عهد خالصانه‌ی ماست که به همراه آن،

^۱ او نباشد، به مرگ جاهلی مرده است.

۱. الاختصاص، مفید، ص ۷۲-۷۳.

۲. الغیبة، نعمانی؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۵.

۳. احتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۴۹۷.

سرور و بهجت و رضایت و انس هم خواهد آمد.

سوم - پناه

انسان منتظر، وقتی مسئولیت خود و رسالت سنگینش را دریافت و به این نتیجه رسید که باید حرکت کند - چون ماندن، گنبدیدن و پوسیدن است - با مانع‌ها و درگیری‌هایی روبه‌رو می‌شود. که در همه جا خانه گرفته‌اند و وحشت و غربت آفرینند.

در این هنگام، ناچار باید به کسی پناه برد تا او را از این غربت و تنهایی نجات دهد. اکنون، این سؤال در ذهن پدید می‌آید: به چه کسی باید پناه برد؟ با چه کسی باید به گفت و گو نشست؟ به چه کسی باید دلگرم شد؟

در پاسخ باید گفت: این انس، جز به معصوم، و انتظار فرج او نیست.^۱ این حقیقت، در سخن دلنشین امام سجاده علیه السلام آمده است:

انتظار الفرج من أعظم الفرج؛^۲ انتظار فرج، از بزرگ‌ترین

گشایش‌ها است.

سینه‌هایی که رنج هستی، دردهای انسان، ظلم‌های جامعه را شاهد بوده‌اند و همراه هر قطره‌ی خون که از رگ‌های مظلومان ایرانی و فلسطینی و لبنانی و افغانی و... به زمین ریخته، همراه هر تازیانه که بر مجاهدی فرود آمده، حضور داشته‌اند و این گونه در برابر همه‌ی مردم و همه‌ی هستی، خود را مسئول می‌دانند، چاره‌ای جز پیوند با مهدی فاطمه (عج) ندارند.

۱. امام رضا علیه السلام فرمود: الإمام الأنیس الرفیق والوالد الشفیق. کافی، ج ۱، ص ۲۰۰، باب نادر فی فضل

الإمام. ح ۱.

۲. بحار الأنوار، ج ۲، ص ۱۲۲.

چهارم - توسل

وادی عشق، بسی دور و دراز است، ولی طی شود جاده صد ساله به آهی، گاهی^۱
ای عزیز فاطمه! ما، غفلت کردیم و متوجه نشدیم و غافلانه و جاهلانه، تو
یوسف عزیز را، بدون این که حتی ثمن بخسی نصیب مان شود، از دست دادیم و
اکنون، در هجران تو، کنعان زندگی ما، در خشکسالی سوزان، فرو رفته است و
زندگی بر ما سخت شده است و با شرمندگی، دست تمنا به سوی تو گشوده‌ایم و
عرضه می‌داریم:

﴿يا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَا الضُّرَّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةِ مَرْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَ
تَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ﴾^۲.

فرزندان انتظار، حکمت غیبت آن منجی غائب را درک کرده، آن راناشی از
فاصله‌ی فرهنگ این دوران از فرهنگ مهدویت و عدم آمادگی برای حضور آن
امام همام می‌دانند. آنان خوب می‌دانند فاصله‌ی آنچه باید باشند و آنچه هستند،
به ژرفای یک عمر زندگی است که بدون راهنمایی از عالم و حیانی و توسل به
ساحت مقدس یک وجود نورانی، میسر نیست.

آنان دریافته‌اند که توسل، تقرّب است و وسیله ساختن برای رسیدن به
محبوب و معبود؛ ﴿وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ﴾^۳.

باید دانست که اهل بیت، وسیله‌ی تقرّب انبیا هستند.^۴ بر پایه‌ی حکم عقل،
برای رسیدن به هر مقصدی، به دنبال وسیله‌ای باید رفت، اما هر وسیله‌ای برای

۱. اقبال لاهوری.

۲. یوسف: ۸۸.

۳. مائده: ۳۵.

۴. بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۲۷.

مقصد خاصی ساخته شده است، امام، وسیله‌ی قرب،^۱ وسیله‌ی هدایت^۲، وسیله‌ی رضا و رضوان^۳ و راه رسیدن به بهشت موعود است.^۴

این درست که نمک طعام را هم باید از آنان خواست، ولی وقتی می‌شود بیش‌ترها را به دست آورد، برای طرح درخواست‌های پایین‌تر، مجال توکل نمی‌ماند، هر چند آنان که به خواسته‌های بزرگ دست می‌یابند و با هستی، هماهنگ می‌شوند، نظام هستی نیز با آنان هماهنگ می‌شود و درخواست‌های کوچک آنان هم برآورده می‌شود.

خوب است در این زمینه به روایتی گوش جان بسپاریم؛ در آن روزها که زمین برای ظهور آخرین پیامبر جشن شکوفایی گرفته بود. در آن روزگار که در سرزمین خشک و بی‌آب و علف بذرهاى دعوت و رحمت کاشته شده بود. در آن زمان که طرح عقیده و دعوت آشکار و پنهان ریخته شده بود. در آن سرزمینی که درگیری بابت‌ها و طاغوت‌ها و خود پرستی‌ها شکل گرفته بود و در آن روزها که شبه جزیره، طعم حاکمیت دینی را تجربه می‌کرد و رسول خدا می‌خواست آمال و آرزوها و درخواست‌های آن مردمان، رفعتی به بلندای آسمان‌ها پیدا کند و در آن روزها....

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: در این دوران به مردی از طائف که در

دوران جاهلیت رسول گرامی صلی الله علیه و آله مهمان او شده بود و مورد احترام وی

۱. نحن الوسيلة إلى الله. (مکیال المکارم، ج ۱، ص ۳۵۲-۳۵۳)

۲. واژه‌ی «النجم» در آیه‌ی ۲۶، نحل ﴿وبالنجم هم یهتدون﴾ به ائمه علیهم السلام تفسیر شده است.

۳. در دعای ندبه آمده است: وجعلتهم الذرایع إليك والوسيلة إلى رضوانك. مکیال المکارم، ج ۱، ص ۳۵۲-۳۵۳

۴. در دعای سید الساجدین در روز عرفه آمده است: وجعلتهم الوسيلة إليك والمسلك إلى جنتك.

قرار گرفته بود، گفتند: یادت می‌آید آن شخصی را که در آن روز در طائف بر تو وارد شده بود، او همان رسولی است که اکنون به این مقام رسیده. او گرفتار بود و فقیر، آماده‌اش کردند که بیاید از پیامبر درخواستی داشته باشد، خیلی فکر کرد که چه بخواهد. آنگاه گفت: یا رسول الله! مرا می‌شناسید؟ حضرت گفتند: تو کی هستی؟ گفت: من همانم که آن روز بر من وارد شدی و... حضرت فرمودند: مرحبا چه می‌خواهی؟ خوب فکر کرد و گفت: دویست گوسفند با چوپان.

حضرت لختی اندیشید و سر فرو انداخت و فرمود: به او بدهید. سپس رو به اصحاب کرد و با تأسف فرمود: چگونه است که این فرد از آن پیرزن یهودی همتش کم‌تر است! اصحاب پرسیدند: داستان چه بود؟ حضرت فرمود: وقتی که برادرم موسی از مصر به سرزمین مقدس در شام می‌خواست هجرت کند، وحی آمد که جنازه‌ی حضرت یوسف را با خودت ببر. موسی مأمور شده بود کسی را که آشنا با محل این جنازه باشد، پیدا کند. به او گفتند: اگر کسی باشد فلان پیرزن بنی‌اسرائیل است. موسی به دنبالش فرستاد تا او را آوردند. موسی گفت: می‌دانی آن جنازه کجاست؟ گفت: آری، گفت: بگو هر چه بخواهی به تو می‌دهم. گفت: نمی‌گویم مگر این که همه خواسته‌هایم را بپذیری. گفت: بهشت را، گفت: همان که گفتم.

موسی متحیر ماند. وحی آمد که قبول کن، تو نمی‌دهی ما می‌دهیم. موسی گفت: قبول است. پیرزن گفت: درخواست من این است که روز قیامت در بهشت با تو و در رتبه و مقام تو باشم...

سپس رسول خدا آهی کشید و فرمود: چه شد درخواست او چون

درخواست این پیرزن نبود! چه شد این فرد همتش از آن پیرزن
کم تر بود!^۱

راستی آیا ما نیز چنین نیستیم؟ آیا درخواستها، آرزوهایمان بر همین اساس
نیست؟

آری، می شود از ولیّ خدا، کشت و زرع و تجارت و فرزند و عیال و...
خواست و آنان نیز خاندانِ بذل و بخشش اند و یقیناً، انسان، از توسل خود
بهره مند می شود، ولی بهره ی بیش تری را از دست می دهد.

از هر وسیله ای باید متناسب با توانایی او درخواست داشت. از حجت خدا،
باید کاری را خواست که از دست دیگران ساخته نیست. درباره ی مشکلات
حوزه های علمیّه، یکی از اساتید می گفتند: «کار اصلی مرجع، ساختن مسجد و
مدرسه و بیمارستان نیست. این ها، کارهایی است که از یک ثروتمند هم ساخته
است. کار مرجع، تربیت عالم عادل و عاقل است. این، کاری است که از دیگران
ساخته نیست. باید به هر کس، در کاری که برای آن ساخته شده، توسل جست و
بهره گرفت.»^۲

آری، آنان خود، معرّف خویشند. آنان، انقلاب در عقل ها و اندیشه ها پدید
می آورند.^۳ آنان، قفل و زنجیر را از پای آدمی بر می دارند تا خوب حرکت کند.^۴

۱. کلینی، یعقوب، روضة الكافی، ج ۸، ص ۱۱۰، ح ۱۴۴. (حدیث الذی أضاف رسول الله ﷺ بالطائف)

۲. تومی آبی، علی صفایی حایری، ص ۲۳.

۳. لیشیروا لهم دفائن العقول. (نهج البلاغه، خ ۱).

۴. اعراف: ۱۵۷ ﴿يُضَعُ عَنْهُمْ أَغْلَالٌ وَتِجَارٌ كَأَنَّهُمْ فِيهَا غَنَى﴾ پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

«... بالمهدی... یخرج ذلّ الرق من أعناقکم...»؛ (بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۵۷) ... به دست مهدی علیه السلام

بندهای بردگی از گردن همه ی شما گشوده می گردد....

به هر طرف، چه شرق و چه غرب برویم، هدایت، فقط در نزد آنان است.^۱
خدا، به عزت و جبروت خود قسم خورده که اگر کسی او را چنان عبادت کند
که مانند چربی در دیگ، آب شود، از او نخواهد پذیرفت، مگر از همان طریقی
که خودش امر کرده، او را بخواند.^۲

پنجم. آمادگی

مؤمن منتظر، بیکار نمی‌ماند، بلکه آماده می‌شود. همچون یعقوب، بوی
پیراهن یوسف در او انقلابی پدید می‌آورد.^۳ آنان که انتظار محبوبی را داشته
باشند، کوچک‌ترین نشانه‌ای از محبوب، در آنان اثر عمیقی می‌گذارد. در تاریخ

۱. شَرَقُوا أَوْ غَرَبُوا (یا در تعبیر دیگر: فلیشرق الحکم ولیغرب أَمَا - واللّه! - لا یصیب العلم إلا من أهل البیت. (کافی، ج ۲، ص ۲۵۲).

۲. عن أبی عبد الله علیه السلام قال: عَبَّدَ اللَّهُ جِبْرُؤنَ مِنْ أَحْبَابِ بَنِي إِسْرَائِيلَ، حَتَّى صَارَ مِثْلَ الْخَلَالِ. فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَيَّ نَبِيٌّ زَمَانَهُ: «قُلْ لَهُ: وَ عَزَّتِي وَ جَلَالِي وَ جِبْرُوتِي! لَوْ أَنَّكَ عَبْدَتَنِي حَتَّى تَذُوبَ الْأَلِيَّةَ فِي الْقَدْرِ مَا قَبَلْتُ مِنْكَ حَتَّى تَأْتِيَنِي مِنَ الْبَابِ الَّذِي أَمَرْتُكَ.» بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۱۷۶.

۳. مفضل بن عمر می‌گوید: شنیدم از امام صادق علیه السلام که می‌فرمود: می‌دانی پیراهن یوسف علیه السلام چه بود؟ گفتم: نه. فرمود: چون برای ابراهیم علیه السلام آتش افروختند، جبرئیل، برای او پیراهنی آورد و به تن او کرد که گرما و سرما به او آسیب نرساند و چون زمان وفات او فرارسید، آن را در جلد دعایی نهاد و بر اسحاق آویخت و او، به یعقوب آویخت و چون که یوسف متولد شد، آن را به وی آویخت و در بازویش بست، تا کارش به آن جا که باید، کشید و چون یوسف آن را در مصر از میان جلد دعا در آورد، یعقوب علیه السلام بویش را استشمام کرد.

این است گفتار خدا که از او حکایت کرده است که «من، بوی یوسف را استشمام می‌کنم، اگر مرا به خطا نسبت ندهید» و آن، همان پیراهنی است که از بهشت فرود آمده است. عرض کردم: قربان تو بروم! این پیراهن به دست چه کسی رسید؟ فرمود: به دست اهل آن است و آن، همراه قائم ماست وقتی ظهور می‌کند.

سپس فرمود: هر پیغمبری که دانش یا چیز دیگری ارث برده است، همه‌ی آن‌ها به محمد صلی الله علیه و آله و سلم رسیده است. کمال الدین، ج ۲، باب ۶۲، حدیث ۲۹.

می خوانیم. پیراهن حضرت یوسف، بر روح و جسم یعقوب اثر گذاشت و چشم نابینای او، بینا، و روح و روان وی، شادمان شد.

آمادگی، آن هم در تمامی ابعادش،^۱ یکی از وظایف دوران غیبت به شمار می آید؛ چون مؤمن منتظر، پیوسته در حال زمینه سازی برای حکومت مهدی «عج» است؛ ویو طئون للمهدی سلطانه.^۲

او، با دیدن دوره های آموزش نظامی و فراهم کردن اسلحه ی مناسب، خود را برای یاری امام آماده می کند. شیخ کلینی (ره) از امام کاظم علیه السلام نقل می کند: هر کس اسبی را به انتظار امر ما نگاه دارد و به سبب آن، دشمنان ما را خشمگین سازد، در حالی که منسوب به ماست، خداوند روزیش را فراخ گرداند و به او شرح صدر عطا کند و او را به آرزویش برساند و در رسیدن به خواسته هایش یاریش کند.^۳

چگونگی آمادگی در گرو شرایط زمان و مکان است؛ اگر در روایات، سخن از فراهم کردن اسب و شمشیر، به میان آمده، برای تمثیل و بیان لزوم آمادگی برای یاری آخرین حجّت حق است.

بنابراین، به طور کلی می توان گفت: فرهنگ انتظار، فرهنگ آمادگی سازی جامعه برای پذیرش آزادانه ی حاکمیت الهی است و در این میان، راهبرد منتظران، نزدیک سازی آزادی به دین است.

۱. چون در بخش «ابعاد انتظار» در این مورد بحث شد، طرح مجدد آن، ضرورتی ندارد.

۲. میزان الحکمة، ج ۲، ص ۵۶۸.

۳. کافی، ج ۶، ص ۵۳۵، روایت ۱.

فصل ششم

ره آورد

انتظار

فرزندان انتظار، با کسب آمادگی‌های لازم و پس از پیمودن مراحل یاد شده، ریشه‌هایی در وجودشان سبز می‌شود و رفته رفته به نتایج مناسب دست می‌یابند. و صبر بر گرفتاری و برخوردها و آزار و تمسخرها و بلاها و امتحانات، و ذکر و یادآوری در برابر فتنه و غفلت‌ها، و اصلاح جامعه، و امید به آینده‌ی مطلوب، و همراهی با حجت حق و زیرکی و بصیرت در برابر «شبهات مهاجم» را به بار می‌نشانند. اکنون برخی از ره‌آوردهای انتظار را بر می‌شمریم:

یکم. صبر

امام صادق علیه السلام فرمود: من دین الأئمة، الورع... و انتظار الفرج بالصبر.^۱ شرایط بسیار دشوار عصر غیبت، مستلزم آن است که هر شیعه‌ی منتظری، در برابر مشکلات و گرفتاری‌ها بایستد و از موجودیت و هویت خویش دفاع کند. کسی که برای آینده‌اش برنامه می‌ریزد و برای رسیدن به اهدافش، نیازها را

۱. از دین امامان است پرهیزکاری... و انتظار فرج با صبر و شکیبایی. بحار الأنوار، ج ۵، ص ۱۲۲.

می‌شناسد و برای به دست آوردن آن‌ها، راه‌هایی را پیش بینی می‌کند، به خوبی می‌داند که با داشتن نقشه و برنامه، کارها، سریع‌تر و بهتر شکل می‌گیرد. چون موانع را در طرح و برنامه‌ی کلی، می‌توان شناخت و برای از میان برداشتن آن‌ها، چاره‌ای اندیشید.

آنان، در رویارویی با مشکلات، غافلگیر نمی‌شوند و کاسه‌ی صبرشان لبریز نمی‌گردد و به جزع و فزع یا ذلت و ضعف روی نمی‌آورند. مواجهه با ترس، طبیعی است و هر انسانی، در طول زندگی‌اش، با آن روبه‌رو می‌شود، اما مهم این است که چگونه از آن بهره‌برد.

آدمی، در طول تاریخ، با ترس‌ها به قدرت رسیده،^۱ با محبت‌ها و عشق‌ها، کوه‌ها را بر دوش کشیده است.^۲ انسان بر اثر برخورد با مشکلات و تجربه‌های مکرر آموخته است که چگونه ترس و عشق را با قدرت جایگزین کند و چگونه برای مشکلات راه حل بیابد.

منتظر، کسی است که مشکلات دوران انتظار را پیش بینی کند و در نتیجه، از بحران هجوم مشکلات بکاهد و صبرش، مغلوب حوادث نشود.
امام حسین علیه السلام می‌فرماید:

برای او، غیبتی است که گروهی در آن دوران، از دین برگشته، برخی دیگر، بر دین پایدار خواهند ماند و مورد اذیت و آزار قرار خواهند گرفت. به آنان گفته می‌شود: اگر راست می‌گویید، پس این وعده‌ی ظهور مهدی چه زمانی اتفاق خواهد افتاد؟ لیکن آن که در زمان غیبت، بر آزارها و تکذیب‌ها، استوار بماند، گویا مجاهدی

۱. دانشمندان، تمدن صنعتی فعلی را، حاصل جنگ‌های جهانی اول و دوم می‌دانند.

۲. بی‌ستون را عشق کند و شهرتش فرهاد برد.

است که در رکاب رسول خدا ﷺ با شمشیر، به جهاد برخاسته است.^۱

امام صادق علیه السلام به نقل از رسول خدا ﷺ فرموده‌اند:

زمانی بر مردم خواهد آمد که حکومت، جز به وسیله‌ی کشتن و ستمگری به دست نیاید، و ثروت جز با غصب و بخل فراهم نگردد، و محبت و دوستی، جز با بیرون رفتن از دین به چنگ نیاید. پس هر کس، آن زمان را دریابد و بر فقر صبر کند، با این که محبت مردم را بتواند جلب کند، و بر خواری و ذلت صبر کند، در صورتی که قدرت عزیز شدن را داشته باشد، خداوند پاداش پنجاه صدیق از تصدق کنندگان مرا به او خواهد داد.^۲

مراد از «ذلت و عزت» در این روایت، عزت و ذلت ظاهری و دنیایی است، وگرنه مؤمن همیشه از عزت برخوردار است، چه در فقر و پریشانی، چه در مکنّت و برخورداری؛ ﴿وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ﴾.^۳

امام کاظم علیه السلام نیز در این زمینه می‌فرماید:

هر کس صبر کند و انتظار کشد، به فرج و پیروزی می‌رسد و انتظار فرج، بخشی از فرج است.^۴

این مسئله، چنان حیاتی است که صابران دوره‌ی انتظار، از گروندگان به غیب، بلکه از مفلحان و رستگاران شمرده شده‌اند.^۵

۱. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۳.

۲. کافی، ج ۲، ص ۹۱، ح ۱۲.

۳. منافقون: ۸.

۴. مکیال المکارم، ج ۲، صص ۴۱۱-۴۲۶.

۵. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۳. قال رسول الله ﷺ: طوبى للصابرين في غيبته... أولئك وصفهم

دوم. ذکر

دوران انتظار، دوران هجوم فتنه‌ها و مشکلات و گرفتاری‌هاست. آنچه سبب آرامش قلبی و قدرت روحی شیعه‌ی منتظر می‌شود و وی را از غفلت و زینت و وسوسه، نجات می‌دهد، ذکر و هوشیاری است.

آدمیت آدمی، در گرو دو دستاورد بزرگ، یعنی علم و ذکر است. با علم، از جهل‌ها آزاد می‌شویم و با ذکر، از غفلت‌ها. انسان در یک مرحله، جاهل است و در این مرحله، محتاج دانستن است. پس باید به دنبالش برود، در هر جا باشد.

از طرفی، تأکید فراوان بر فراگیری علم و دانش، اهمیت آن را دو چندان می‌کند، ولی باید توجه داشت که دانستن، شرط لازم برای موفقیت و سعادت آدمی است، اما شرط کافی برای این مهم نیست. چون، پس از یافتن و فهمیدن، خطر دیگری بر سر راه است و آن، غفلت و بی‌خبری است. در این مرحله، علم کارساز نیست، بلکه ذکر و تذکر، کارگر است و چاره‌ی درد.

مؤمن منتظر نیز از این امر، مستثنا نیست. زیرا فتنه‌ها و جلوه‌ها و وسوسه‌ها و زینت‌ها^۱ در دنیا وجود دارند و در دوران غیبت، شدیدتر هم شده‌اند و طبیعی است که هر یک دل را می‌لرزاند و سبب غفلت می‌شود. بنابراین، شیعه‌ی منتظر با ذکر و هوشیاری، باید اُنس گیرد و از این «قوت روح» و «کلید و حیات قلب» و «نور و شفای دل»^۲ مدد جوید.

۱. الله في كتابه فقال: ﴿والذين يؤمنون بالغيب﴾ و قال: ﴿أولئك حزب الله ألا ان حزب الله هم المفلحون﴾.

۱. حدید؛ ۲۰؛ ﴿اعلموا انما الحياة الدنيا لعب و لهو و زينة و تفاخر بينكم﴾.

۲. میزان الحکمة، ج ۳، ص ۴۱۷-۴۱۸. در روایاتی از ذکر، به قوت روح و کلید و حیات قلب و نور و شفای دل تعبیر شده است.

راستی، عجب حکمتی دارد آفرینش خدا، چه زیبا انسان را تربیت می‌کند! در دل هجوم زینت‌ها و جلوه‌ها و دنیا زدگی‌ها، ذکر و یادآوری نورانیت و هوشیاری و حلاوت و شیرینی عبادت و خود باوری را به انسان منتظر هدیه می‌کند و این، نتیجه‌ی آمادگی و انتظاری است که وی به چنگ آورده است.

سوم. اصلاح

یکی از آثاری که در هر شیعه‌ی منتظر پدیدار می‌گردد، اصلاح و پیراستن خود از خصائص ناپسند، و آراستن خود به اخلاق نیکو است. این، نتیجه‌ی طبیعی انتظار واقعی است.

او، در تاریخ کسانی را دیده است که در بحرانی‌ترین شرایط، زیر شانه‌ی ولی خدا را خالی کرده‌اند! او، طلحه و زبیرهای تاریخ را دیده است! او، عمر سعدها را دیده است! از این رو او نقطه ضعف‌هایش را شناسایی می‌کند و در پی اصلاح خود بر می‌آید.

شیعه‌ی منتظر، دریافته که با اصلاح خود، به تنهایی کارها درست نمی‌شود. چون او با جامعه مرتبط است. او می‌داند که جامعه‌ی فاسد، فرد صالح را هم به فساد می‌کشاند. درک این ضرورت، او را به اصلاح جامعه می‌کشاند.

این دو، همان علامت‌هایی هستند که پیامبر ﷺ از سالیان دور، در گوش تاریخ گفته است. مسلمان باید صالح باشد؛ المسلم من سلم المسلمون من یده و لسانه^۱ نیز باید مصلح باشد؛ مَنْ أَصْبَحَ وَلَمْ يَهْتَمْ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ.^۲ از امام صادق علیه السلام در این مورد، چنین نقل شده است:

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۵۸.

۲. کافی، ج ۲، ص ۱۶۳، ح ۱ و ص ۱۶۴، ح ۵.

هر کس دوست دارد که از یاران حضرت قائم علیه السلام باشد، باید منتظر باشد و در این حال، به پرهیزکاری و اخلاق نیکو رفتار کند...^۱

امام عصر علیه السلام نیز با توجه به ناگهانی بودن امر ظهور، همه ی شیعیان را به انجام دادن اعمال پسندیده و دوری از اعمال ناپسند در زمان غیبت، فرا خوانده، می فرماید:

هر یک از شما، باید آن چه را سبب دوستی ما می شود، پیشه ی خود سازد و از آن چه مایه ی خشم و ناخشنودی ما می گردد، دوری گزیند. زیرا فرمان ما، به یک باره و ناگهانی فرا می رسد و در آن زمان، توبه و بازگشت، برای کسی سودی ندارد و پشیمانی از گناه، کسی را از کیفر ما نجات نمی بخشد.^۲

این موضوع، از چنان اهمیتی برخوردار است که در توفیق شریف ناحیه ی مقدّس حضرت صاحب الامر علیه السلام به مرحوم شیخ مفید، آمده است:

تنها چیزی که ما را از آنان پوشیده می دارد، چیزهای ناخوشایندی است که از ایشان به ما می رسد و خوشایند ما نیست و از آنان انتظار نمی رود.^۳

۱. الغیبة، نعمانی، ص ۲۹۱، ح ۱۶، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۴۰، ح ۵۰.

۲. احتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۳۲۲.

۳. پیشین.

چهارم. امید

انتظار فرج، از آن جهت مورد تأکید و توصیه‌ی اهل بیت علیهم‌السلام قرار گرفته است که در شیعه‌ی منتظر، امید به آینده پدید می‌آورد و همین امید، نقش بزرگی در زندگی او دارد. چون اگر پندار کسی این باشد که هیچ تلاشی برای اصلاح امور به نتیجه نمی‌رسد، انگیزه‌ای برای مبارزه با طاغیان و مقاومت در برابر دشواری‌ها نخواهد داشت؛ اما اگر کسی به آینده امیدوار باشد و بداند که دیر یا زود، حکومت زمین به صالحان خواهد رسید و امور جامعه اصلاح خواهد شد و ستم و بیداد رخت بر خواهد بست و... برای رسیدن به چنان جامعه‌ای می‌کوشد تا با دگر سازی، زمینه‌ی تشکیل آن دولت کریمه را فراهم آورد.

حالت انتظار و اعتقاد به حضور رهبر، اثر عمیقی در اجتماع دارد. هرگاه این رهبر، در دل اجتماع باشد، مداخله‌ی او در رهبری امت و نظارت بر سازمان‌ها، لازم و ضروری است، ولی هرگاه این رهبر، به عللی زندانی یا تبعید شود، بیمار شود، باز هم مردم به امید وجود آن رهبر، دست به دست هم داده، کارها را ادامه می‌دهند.

در طول تاریخ، در میان ملل زنده که نهضت‌هایی داشتند، تا زمانی که رهبر نهضت، زنده بوده است، هر چند از نزدیک موفق به رهبری نمی‌شد، تشکیلات این گروه پایدار می‌ماند؛ اما لحظه‌ای که زندگی او به پایان می‌رسید، دو دستگی میان نیروها، و پراکندگی و نابسامانی، در میان جمعیت، پدید می‌آمد.

بنابراین، حالت انتظار و اعتقاد به وجود امام زنده و حاضر و ناظر، در حفظ وحدت مردم و آماده کردن افراد برای نهضت علیه ستم مؤثر است.

پنجم. همراهی

شیعه‌ی منتظر، تلاش دارد که در رفتار و گفتار و پندار، خود را به خصیصه‌های نیکوی امامش نزدیک کند. بگوید، آن چه او می‌پسندد و انجام دهد کاری را که او خوش می‌دارد و... از این رو، اخلاق او، مردم را به یاد آن غایب از نظر می‌اندازد تا جایی که بهترین افراد اهل زمان خود به شمار می‌رود. فرزندان انتظار، در مناسبات اجتماعی، چنان پابند عدالت‌اند که مردم، طعم عدالت اجتماعی را به سبب ایشان تجربه می‌کنند. فرزندان انتظار، این هشدار را شنیده‌اند که «منفورترین مردم نزد پروردگار، کسی است که سیره‌ی امامی را برگزیند، ولی از کارهای او پیروی نکند.»^۱

یکی از دعاهایی که تصویر روشنی از شیعه‌ی منتظر می‌نمایاند و ما را با انتظارات امام از شیعیانش آشنا می‌کند، دعای شریف اللهم ارزقنا توفیق الطاعة و... است.^۲

همراهی با امام منجی، در گرو آزادی از هرگونه تعلق و رهایی از همه‌ی وابستگی‌هاست. با این سعه‌ی وجودی است که آدمی، رفعت می‌گیرد و می‌تواند سرود واجل لي مع الرسول سبیلاً^۳ را سر دهد. چون، تا کسی به این وسعت و رشد نرسیده باشد، همراهی رسول ﷺ و ولیّ علیّ را نمی‌تواند داشته باشد.^۴

۱. کافی، ج ۸، ص ۲۳۴.

۲. مفاتیح الجنان، دعای امام زمان (عج).

۳. مفاتیح الجنان، تعقیبات بعد از نماز در ماه مبارک رمضان.

۴. به داستان جالبی در مورد بزرگانی که طالب دیدار حضرت بودند، اما تعلق‌های آنان، سبب

جدایی از امام موعود شد. (ر.ک: انتظار و انسان معاصر، عزیزالله حیدری، ص ۷۱-۷۳).

همراهی و معیت با رسول ﷺ و ولیّ علیّ علیه السلام همراهی در اهداف و همراهی در سلوک عملی آنان را می‌خواهد. من که تمام هدفم متاع دنیا است و رضایت به این زندگی است،^۱ همراه اهداف «ولیّ» نمی‌توانم باشم و به مقام معیت و در رکاب ولیّ بودن برسم، اما آنان که پوسته‌ها و دیوارها را شکسته‌اند و از تعلقات دنیوی آزاد شده‌اند و چنان وسعت پیدا کرده‌اند که دیگر نمی‌خواهند و نمی‌توانند به دنیای محدود برگردند، همراه ولیّ معصوم می‌توانند باشند تا جایی که لیاقت همراهی امام قائم علیّیه آن هم در خیمه‌اش را پیدا می‌کنند.^۲

ششم. بصیرت

مؤمن منتظر، در تمامی ابعاد، آمادگی پیدا می‌کند. یکی از آن‌ها، آمادگی فکری است. نتیجه‌ی تلاش فکری مؤمن منتظر، بصیرت و آگاهی است. فتنه‌ها، افزون بر این که غفلت می‌آورند، شبهه و تردید و تزلزل را نیز در افکار آدمی ایجاد می‌کنند و این فرزند انتظار است که چون به هوشیاری فکری رسیده، بیدار است و آماده شده است. او از زبان مهربان علی علیه السلام شنیده:

فَإِنَّمَا الْبَصِيرُ مَنْ سَمِعَ فَتَفَكَّرَ وَ نَظَرَ فَأَبْصَرَ.^۳

او می‌داند که آیین تشیع، از آغاز گسترش، همواره مورد تاخت و تاز دشمنان قرار داشته و در عصر غیبت، به شدت آن افزوده شده است. آنان، عرصه را با غیبت صاحب دین، خالی دیده و در این فرصت، به گمراهی کردن مردم

۱. یونس: ۷، ﴿إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا رِضْوَانًا بِأَكْبَارِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا سَاءَ﴾.

۲. بحار الأنوار، ج ۴۲، ص ۱۲۶. قال ابو عبد الله عليه السلام: مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ لِهَذَا الْأَمْرِ كَمَنْ هُوَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فِطْرَتِهِ...؛ اگر کسی از شما بمیرد در حالی که منتظر حکومت امام زمان (عج) بوده، همانند کسی است که با امام قائم (عج) در خیمه‌اش بوده است...

۳. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۹، ص ۱۵۸.

رو می آورند. او می داند که وظیفه دارد با تمام وجود به دفاع از آیین و آرمان آن حضرت برخیزد و به شبهات والقائات شیطانی دشمن پاسخ دهد.

شیعه‌ی منتظر، همراه تاریخ است و از آن درس می‌گیرد. او، قهرمان با وفای کربلا حضرت ابوالفضل علیه السلام را که به بصیرت رسیده بود،^۱ سرمشق خود قرار می‌دهد.

مؤمن منتظر، بیدار است، خدای متعالی، به او آن اندازه از عقل و فهم عنایت کرده که دوران غیبت برایش چون به دوران ظهور است و چنان بصیرت پیدا می‌کند که شبهات دوران انتظار را به راحتی پاسخ می‌گوید امام سجاده علیه السلام در همین زمینه می‌فرماید:

... یا ابا خالد! إنَّ أهل زمانه القائلین بإمامته والمنتظرین لظهوره أفضل من كل زمان؛ لأنَّ الله تبارك و تعالی، أعطاهم من العقول والأفهام والمعرفة ما صارت به الغيبة عندهم بمنزلة المشاهدة؛^۲

ای ابا خالد! مردم زمان غیبت که به امامت او معتقد و منتظر ظهور او هستند، برتر از مردم همه‌ی زمان‌هایند. زیرا خدای والا آنان، را به اندازه‌ای از عقل و شناخت برخوردار کرده است که غیبت برای آنان، مانند شهود است.

فرزند انتظار، به چنان توجّهی راه یافته است که با آمادگی و فراهم آوردن زمینه‌ها، اجازه‌ی ورود به هیچ‌گونه شبهه‌ای را نمی‌دهد و روح و قلب خود را از هر گونه گزند حفظ می‌کند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

۱. مفاتیح الجنان، زیارتنامه‌ی حضرت ابوالفضل؛ أشهد أنّك مضيت على بصيرةٍ من أمرك....

۲. کمال الدین، ص ۳۳۰.

طوبى لَمَنْ تَمَسَّكَ بِأَمْرِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا فَلَمْ يَزِغْ قَلْبَهُ
بِالْهُدَايَةِ؛^۱

خوشا به حال کسی که در زمان غیبت قائم ما، به فرمان ما
تمسک جوید که در نتیجه، قلب هدایت شده‌اش، هرگز به طرف
باطل متمایل نشود.

شیعه‌ی منتظر، از چنان بصیرت و آگاهی برخوردار می‌شود که «شگفت‌ترین
مردم در ایمان و بزرگ‌ترین آنان در یقین»، لقب می‌گیرد.^۲
اکنون مناسب است در این مرحله از بحث سه نمونه از شبهات را بررسییم.

□ نمونه‌ی ۱

یکی از شبهاتی که در مجالس و محافل و مجلات مختلف طرح شده، بحث
خشونت است، به خصوص روایاتی نیز در مورد خشونت هنگام ظهور مطرح
است. در روایتی از امام باقر علیه السلام نقل شده است: لیس أمره إلاّ السیف؛^۳
سر و کار او، فقط با شمشیر است.

در روایت دیگری نیز چنین آمده است:

... لا يعطهم إلاّ السّيف، يضع على عاتقه ثمانية أشهر
هرجاً حتى يقولوا: واللّٰه! ما هذا من ولد فاطمه، لو كان من

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲.

۲. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ای علی، بدان که شگفت‌ترین مردم در ایمان و بزرگ‌ترین آنان در
یقین، گروهی هستند در آخر الزمان که پیامبر را ندیده‌اند و از امام خود دور هستند. (من

لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۶۶؛ وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص ۶۵)

۳. کافی، ج ۸، ص ۳۶۲.

ولدها لرحمنا؛^۱ او جز با شمشیر با آنان برخورد نمی‌کند. در زمان بحران و آشوب، به مدت هشت ماه، شمشیرش را روی دوش خود می‌گذارد تا این که مردم خواهند گفت: به خدا سوگند! او فرزند زهرا نیست. اگر فرزند زهرا بود، حتماً به ما رحم می‌کرد.

بنابراین، اگر آن چه درباره‌ی قیام آخرین ولیّ خدا گفته شده، صحیح باشد، پدیده‌ی ظهور، یک فاجعه خواهد بود. زیرا پیامد این حادثه، چیزی نیست جز سیطره‌ی آهنین یک نفر بر تمامی کره‌ی زمین و تحمیل اراده‌ی خشن او بر اراده‌ی همه انسان‌ها.

در جواب این دیدگاه، باید گفت: شیوه‌ی کسب قدرت در اندیشه‌ی اسلامی، بر اساس آزادی و اختیار بشر است، نه اجبار و تحمیل، و شیوه‌ی مدیریت اسلامی، بر وفق و مدارا استوار است، نه شمشیر و تحقیر، و سلوک حکومت دینی، بر رأفت و عطوفت با شهروندان است، نه شدت و خشونت. جنگ‌ها و درگیری‌ها، پس از مرحله‌ی تبیین و جدا شدن صفوف است. گفت‌وگوی تمدن‌ها و داد و ستد میان ادیان، تا مرز درگیری و رویارویی هم می‌رسد. این طور نیست که گفت‌وگوی میان ادیان یا تمدن‌ها یا آدم‌ها همیشه به مصالحه ختم بشود.

از طرفی مرحله‌ی نخست گفت و گو نیست؛ پیش از این که گفتگویی صورت بگیرد، برخوردهای حساب شده، محبت‌ها، زمینه سازی‌ها مطرح است، سپس گفتگو تحقق پیدا می‌کند، بعد فرصت می‌دهد تا تصمیم بگیرند، آنگاه مرحله‌ی صف بندی و جبهه گیری مطرح می‌شود و او ممکن است با ما درگیر شود. چون اختلاف منافع و مقاصد در میان است.

۱. الغیبة، نعمانی، ص ۲۸۴، ح ۶.

در اندیشه‌ی اسلامی، چنین است که جنگ پس از مراحل پیش گفته شکل می‌گیرد. در جنگ صفین امیرالمؤمنین علیه السلام خیلی تعلل می‌کرد تا حدی که بعضی از اصحاب پنداشتند علی علیه السلام شک دارد و نمی‌خواهد بجنگد. آنگاه حضرت فرمود: «نه! برای این نیست، بلکه می‌خواهم یک نفر به بیداری و روشنی برسد.» و بعد از تحقق این بیداری و آگاهی، دیگر خشونت نیست، قاطعیّت است. این‌ها، عقلانیّت و عین منطق است و احترام گذاردن به کرامت انسانی.

خشونت این است که پیش از فرصت دادن و هدایت کردن و ایجاد زمینه‌ی فکر و انتخاب، درگیری را شروع کنی؛ ولی باطنی این مراحل، دیگر خشونت نیست. حضرت مهدی (عج) نیز به همین روش با عامه‌ی مردم برخورد خواهد کرد، اما معاندان و براندازان که حقّانیّت را فهمیده‌اند، اگر جلوی آن‌ها را نگیری، جامعه را به فساد می‌کشانند. طبیعی است که در برابر اینان، رفق و مدارا نمی‌توان داشت. بر پایه‌ی عقلانیّت، بر سر ستمکاران و متجاوزان به حقوق خدا و مردم، باید شمشیر کشید. بنا بر این هم شمشیر حضرت واقعیت دارد و هم رأفت ایشان. به بیان دیگر، میان شمشیر قدرت و شمشیر عدالت تفاوت هست. شمشیر مهدی، نه شمشیر کسب قدرت است و نه شمشیر حفظ قدرت، بلکه شمشیر اجرای عدالت است. اگر شمشیر حفظ قدرت بود، دوران غیبت به وجود نمی‌آمد و اگر شمشیر او، شمشیر کسب قدرت بود، دوران انتظار مفهومی نداشت.

□ نمونه‌ی ۲

مؤمن منتظر همواره با کجروی‌ها مقابله و با شناسایی و طرح آن‌ها، آثار منفی آن‌ها را خنثی می‌کند. به طور قطع یکی از کجروی‌ها مسئله رؤیت و ملاقات با حضرت است که متأسفانه امروز شاهدیم که در برخی از محافل صرفاً مردم را با نقل خواب و رؤیا و بیان حکایات ملاقات و تشرفات، آن‌هم بدون توجه به

میزان صحت و استناد آن‌ها سرگرم می‌کنند.

باید توجه داشت که این شیوه، چند اثر منفی در پی دارد: مردم را همواره در سطحی نازل از ایمان و آگاهی قرار می‌دهد و اعتقاد و باور آن‌ها را نیز بسیار شکننده و آسیب‌پذیر می‌سازد. زیرا مردمی که تنها با بیان یک خواب جذب موضوع مهدویت می‌شوند، با وقوع اندک خدشه‌ای در این نقل‌ها دچار تزلزل و سردرگمی می‌گردند.

از سوی دیگر، چنین مطالبی شنوندگان و مخاطبان جوان و نوجوان را از رسالت سنگین که در برابر حجت خدا حضرت صاحب الامر علیه السلام دارند، غافل ساخته، به این اندیشه و امی دارد که تنها باید در پی به دست آوردن ادعیه، توسلات برای تشریف و ملاقات با آن حضرت بود و قطعا این قبیل افراد اگر به آرزوی خود دست نیابند، دچار دلزدگی و ناامیدی می‌شوند.

خطر دیگری که طرح این نوع مطالب به همراه دارد، اعتقاد به مهدویت را در نزد کسانی که هنوز به حقائق شیعه و عمق اندیشه مهدویت پی نبرده‌اند، اعتقادی موهوم و آمیخته با خرافه جلوه می‌دهد.^۱

□ نمونه‌ی ۳

شاید این شبهه بارها به ذهن شما خطور کرده باشد که با این همه قدرت جهنمی مستکبران چگونه می‌توان برخورد کرد و با این همه ضعف و تشنّت چگونه می‌توان برپا ایستاد و نظم نوین جهانی را زیر پا گرفت؟

پاسخ: اگر منتظران تدبیری نیندیشیدند و باری از میان برنداشتند، ظلم مملوّ زمینه‌ساز قسط کامل است.

۱. به نقل از ماهنامه موعود، شماره ۲۷، ص ۲۸.

از آن طرف، امکانات مهم نیست، بلکه عمده انگشتی است که آن‌ها را به چرخ می‌اندازد و اعصابی است که آن انگشت‌ها را می‌گرداند و مغز و قلبی است که بر این همه فرمان می‌راند. آن جا که این دو مرکز با رعب و وحشت آسمانی بمباران شد داستان همان می‌شود که آن‌ها خود با دست خود قلعه را خراب می‌کنند. زیرا خدا از آن جایی که حسابش را نمی‌کردند، به سراغ آن‌ها آمد و دل‌هاشان را با ترس گرفت.^۱

چگونه این ترس شکل می‌گیرد؟ ﴿سنلقى فی قلوبهم الرعب﴾^۲ بزودی ترس را در دل آن‌ها می‌ریزیم. ﴿بما أشركوا بالله ما لم ينزل به سلطانا﴾^۳ و این ترس، از شرک و پراکنده شدن نیروهای باطنی و بت‌های بی‌شمار آن‌ها مایه می‌گیرد و این شرک^۴ و ترس و اضطراب و التهاب، نشانه‌هایی است که از همین امروز انسان مقتدر و نیرومند را محاصره کرده، او را در بند کشیده است.^۵

افزون بر این، روایتی نداریم که استفاده امام مهدی علیه السلام را از تکنولوژی روز نفی کند، بلکه احادیثی مؤید آن است؛ انّ صاحبکم لیركب السحاب و یرقی فی الأسباب و ینزل العراق فی سبع قباب من النور لایعلم بأیّها هو؛^۶ رهبر شما بر ابرها سوار می‌شود و با وسایلی بالا می‌رود و وقتی از حجاز وارد عراق شود، در

۱. ﴿فاتاهم الله من حیث لم یحسبوا﴾ (حشر، ۲).

۲. احزاب، ۲۶.

۳. آل عمران، ۱۵۱.

۴. حوادث شهریور ۸۰ در نیویورک و واشنگتن، اگر نگوییم مصداق بارز همین آیات بود، بی‌تردید نشانه ضعف و زبونی و تشمت و پوشالی بودن ابرقدرت آمریکا بود و نشان داد که تمامی‌های و هوی و ادعاهای آن‌ها مانند حبابی است تو خالی که با یک تلنگر فرو خواهد ریخت.

۵. تومی آبی، علی صفائی حائری، ص ۲۸.

۶. سخنان حجة الاسلام کورانی در مصاحبه با ماهنامه موعود، شماره ۲۵.

هفت گنبد نورانی است که معلوم نیست ایشان در کدام یک قرار دارد.

در روایت دیگری می‌خوانیم:

انّ الله عزّوجلّ أعطى ذى القرنين السحاب الذلول وادّخر
الصّحب لصاحبكم. سألته: و ما الهواء الصعب؟ قال: الذى فيه
رعد و قذف و برق.^۱ خداوند به ذی القرنین ابر و باد روان و آرام
را عطا کرد و برای رهبر شما سخت و مستحکم آن را ذخیره کرد.
راوی می‌گوید، از حضرت پرسیدم که هوای سخت چیست؟
حضرت فرمود: فضای آمیخته با غرش و درخشش
هراسناک آسمان است.

فصل هفتم

سرا انجام

انتظار

یوسف گم گشته باز آید به کنعان غم مخور کلبه‌ی احزان شود روزی گلستان، غم مخور^۱
 سرانجام، دوران انتظار و نهران بودن آخرین منجی، به سر می‌رسد و به
 زودی، سپیدی صبح بر سیاهی شب چیره خواهد شد؛ ﴿أليس الصّبح بقريب﴾^۲.
 آن زمان دور نیست؛ ﴿إنهم يرونه بعيداً و نراه قريباً﴾^۳ و این انسان است که با
 انتخاب خود و فراهم آوردن زمینه‌ی ظهور، می‌تواند بر پا بماند و خود را با این
 حرکت منظم هستی، هماهنگ کند و در این فرجام نیک آفرینش، سهیم باشد و
 به رستگاری برسد، و نیز می‌تواند حرکتی نکند و وظیفه‌ی خود را به نهایت
 نرساند. آن وقت، ظلم فراگیر، زمینه ساز قسط و عدل می‌شود و سیاهی، زمینه
 ساز نور می‌شود و در دل تاریکی‌ها، چراغ‌ها افروخته می‌شود.
 اکنون شایسته است به دو نکته توجه کنیم:

۱. پیروزی حتمی سپیدی بر سیاهی

این درس قرآن است: ﴿جاء الحقّ و زهق الباطل﴾^۴ اگر حق را بیاوری، باطل

۱. حافظ.

۲. هود: ۸۱.

۳. مفاتیح الجنان، دعای عهد.

۴. اسراء، ۸۱.

می‌رود، اما اگر حرکتی نشد، باطل به میدان می‌آید و با این وجود، باز باطل نابود شدنی است. باطل، زمینه‌های فساد و نابودی را در نهان خود دارد. زیرا کسی که خلاف قانون‌ها و سنت‌های حاکم بر هستی می‌رود، ناچار در معرض زوال است. خوب است به جملات زیر توجه کنیم:

«چه قدر امروز به سپیده‌ی فردا نزدیک است،»^۱

مردم، در واپسین حرکت تاریخ و آخرالزمان، گران‌مردی از فرزندان من، ظهور خواهد کرد. هنگامی که پرچمش به اهتزاز در آید، شرق و غرب جهان را روشن می‌سازد. با ظهور او، موجی از شادی و نور، عالم گستر می‌گردد.^۲

این جملات امید بخش، از زبان مهربانی در تاریخ ثبت شده که رنج نسل‌ها را از گذشته‌های دور دیده، برای آن برنامه ریخته، در نگاه و عمل، همه‌ی آن‌ها را منظور داشته است. آن، نگاه مهربان علی علیه السلام است که چنین زیبا، پایان تاریخ را به تصویر می‌کشد. سرچشمه‌ی عشق علی علیه السلام محبت خالق هستی است. در روایت دیگری آمده است: «اگر کسانی که از درگاه الاهی روی گردانده‌اند، اشتیاق خداوند به آنان می‌دانستند چگونه است، از شدت شوق، قالب تهی می‌کردند و جان می‌باختند.»^۳

بنابراین، محبت همراه حکمت حق، حاکمیت عدالت را به زمین بر می‌گرداند و این، یک ضرورت است.

۱. و ما أقرب الیوم من تباشیر غدیه. نهج البلاغه، خ ۱۵۰.

۲. کمال الدین، ص ۶۵۳.

۳. جامع السعادات، ج ۳، ص ۱۳۰.

۲. نقش دعا در تعجیل فرج

ما، شبی دست بر آریم و دعایی بکنیم غم هجران تو را چاره زجایی بکنیم
سایه‌ی طائرِ کم حوصله، کاری نکند طلب از سایه‌ی میمون هُمایی بکنیم^۱
محبت و حکمت و عزّت که تجلیّاتی از جلوه‌های الله است، زمان ظهور را
تعیین می‌کند. از طرف معصومان علیهم‌السلام، زمانی برای ظهور تعیین نشده است. تنها
آمادگی و زمینه‌سازی سریع‌تر، همراه دعا و التجا به درگاه خدا، لحظه‌ی ظهور را
نزدیک می‌کند. حضرت صاحب الامر علیه‌السلام در توقیعی که خطاب به اسحاق بن
یعقوب صادر شده، می‌فرماید: **وَأَكثَرُوا الدَّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ.**^۲
امام حسن عسکری علیه‌السلام نیز دعا برای تعجیل فرج را شرط رهایی از فتنه‌های
دوران غیبت دانسته، می‌فرماید:

به خدا سوگند! غیبتی خواهد داشت که در آن، تنها کسانی از

هلاکت نجات می‌یابند که خداوند او را بر قول به امامتش ثابت

قدم داشته، در دعا برای تعجیل فرجش، موفق کرده است.^۳

دعا برای تعجیل فرج، از چنان اهمیتی برخوردار است که امام صادق علیه‌السلام

می‌فرماید:

هر کس، بعد از نماز صبح و نماز ظهر بگوید: خداوندا، بر

محمد وآله و سلم و خاندان او درود فرست و در فرج ایشان شتاب

کن، نمیرد تا قائم را دریابد.^۴

۱. حافظ.

۲. کمال الدین، ص ۴۸۵، الغیبة، شیخ طوسی، ص ۲۹۲ و ۲۹۳.

۳. کمال الدین، ج ۵۲، ص ۲۴؛ بحار الأنوار، ص ۳۸۴.

۴. مصباح المتعجد، ص ۳۶۸، ح ۱۰۸؛ بحار الأنوار، ج ۸۶، ص ۷۷، ح ۱۱.

بنابراین، شیعه‌ی منتظر، باید در طول شبانه روز، اوقات نماز و همه‌ی ایّامی که در آن‌ها به دعا سفارش شده، دعا برای تعجیل فرج را یک تکلیف و وظیفه‌ی مهمّ عصرِ غیبت بداند و آن را فراموش نکند. دعا برای تعجیل فرج، دعای همیشگی پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه‌ی اطهار علیهم السلام و ملائکه‌ی آسمان‌ها بوده و هست.^۱ به هر تقدیر، کسانی که خواستار دیدن عصاره‌ی خلقتند،^۲ طالب حضور بهترین آفریده‌ی خداوند، به دعا برای تعجیل فرجش روی می‌آورند. چون، تأثیر دعا در نزدیک شدن فرج را باور کرده‌اند.

در میان بنی اسرائیل، دعا سبب شد تا حضرت موسی علیه السلام صد و هفتاد سال زودتر از وقت تعیین شده، برای نجات بنی اسرائیل برانگیخته شود؛^۳ که در این امت، خود امام موعود (عج) هم اصرار بر ظهور دارند و در چیدن پایه‌های آن، مخفیانه می‌کوشند.

آری، سرانجام، انتظار، پایان می‌پذیرد و سپیدی بر سیاهی پیروز می‌گردد. به امید آن روز.

۱. مکیال المکارم، ج ۱، ص ۳۹۳.

۲. الغیبة، نعمانی، ص ۱۳؛ هر کس بخواهد عصاره‌ی خلقت، بهترین خلایق از آدم و شیث تا نوح و فرزندش سام و ابراهیم و اسماعیل تا موسی و یوشع و عیسی و شمعون تا محمد صلی الله علیه و آله را علی علیه السلام تا حسن و حسین علیهم السلام و تا ائمه‌ی اطهار علیهم السلام را ببیند، این همه در یک نفر جمع شده است و آن، وجود مبارک مهدی «عج» است.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۳۱؛ عن تفسیر العیاشی، عن الفضل بن ابي قرة. قال: سمعتُ ابا عبد الله علیه السلام يقول: أوحى الله إلى ابراهيم أنه سيولد لك. فقال لسارة. فقالت: «أألدُّ و أنا عجوز». فأوحى الله إليه أنها ستلدُّ و يعذب أولادها أربعاً سنةً. فلما طال على بنى اسرائيل العذاب، ضجّوا و بكوا إلى الله أربعين صباحاً، فأوحى الله الى موسى و هارون يخلّصهم من فرعون فخطّ عنهم سبعين و مائة سنة. قال: فقال أبو عبد الله علیه السلام: هكذا أنتم لو فعلتم، لفرّج الله عنا. فأما إذا لم تكونوا، فإنّ الأمر ينتهى إلى منتهاه.

فهرست مدارک و مآخذ پس از قرآن مجید و نهج البلاغة

۱. آئین انتظار، علی اکبر تلافی، مؤسسه نبا، چاپ اول، پاییز ۷۵.
۲. اثبات الهداة، شیخ حر عاملی، ۱۴۰۱ هـ ق، چاپخانه علمیه قم.
۳. احتجاج، شیخ طبرسی، چاپ اسوه، ۱۴۱۶ هـ ق.
۴. اختصاص، شیخ مفید، با تصحیح علی اکبر غفاری، نشر جماعة المدرسين قم، بی تا، چاپ اول.
۵. ارشاد القلوب، ابو محمد الدیلمی، مؤسسه الاعلمی، بیروت.
۶. اصول کافی، شیخ کلینی، دارالاضواء بیروت، ۱۴۱۳ هـ ق، ۱۹۹۲ م.
۷. التحصین و صفات العارفين، ترجمه سیدعلی حیدر گلباغی.
۸. التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، حسن مصطفوی، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۷ هـ ق.
۹. الغیبة، شیخ طوسی، مؤسسه معارف اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۷ هـ ق.
۱۰. المعجم المفهرس لالفاظ النهج البلاغه، دشتی، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۰۶ هـ ق، ۱۹۸۶ م.
۱۱. امالی، شیخ صدوق، مؤسسه البعثه قم، چاپ اول، ۱۴۱۷ هـ ق.
۱۲. امامت و مهدویت، لطف الله صافی، مؤسسه انتشارات حضرت معصومه عَلَيْهَا سَلَامُ اللَّهِ، چاپ سوم.
۱۳. امام مهدی در حدیث ثقلین، جمعی از نویسندگان، بنیاد فرهنگی مهدی موعود، چاپ اول.
۱۴. امام مهدی و آینده زندگی، مهدی حکیمی، بنیاد فرهنگی مهدی موعود، چاپ اول، ۸۰.
۱۵. انتظار در اندیشه‌ها، مرکز فرهنگی امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام، پاییز ۷۸.
۱۶. انتظار مذهب اعتراض، علی شریعتی، انتشارات قلم، تهران، چاپ هشتم، بهار ۷۹.
۱۷. انتظار و انسان معاصر، عزیز الله حیدری، انتشارات مسجد مقدس جمکران، نیمه شعبان ۱۴۱۹ هـ ق، چاپ اول.
۱۸. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، مکتبه الاسلامیه، ۱۳۵۸، هـ ق، تهران.
۱۹. برترین‌های فرهنگ مهدویت، مجید پورطباطبایی، ستاد انتخاب برترین‌های فرهنگ مهدویت.
۲۰. به سوی تمدن جدید، آلون تافلر، هایدی تافلر، ترجمه محمد رضا جعفری، نشر سیمرغ، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۴ هـ ش.

۲۱. تاریخ سید الشهداء، شیخ عباس صفای حائری، انتشارات مسجد مقدس جمکران، تابستان ۷۹ چاپ اول.
۲۲. تحف العقول، حسن بن علی بن الحسین حرّانی، مؤسسه الاعلمی بیروت، ۱۳۹۴ هـ، ق. ۱۹۷۴ م.
۲۳. البرهان، سید هاشم بحرانی، مؤسسه الاعلمی بیروت ۱۴۱۹ ق. ۱۹۹۹ م.
۲۴. مجمع البیان، طبرسی، انتشارات ناصر خسرو، چاپ اول، ۱۳۶۵.
۲۵. توجهات ولی عصر به علما و مراجع، عبدالحسین باقی‌زاده، انتشارات تهذیب، چاپ اول، بهار ۱۳۸۱.
۲۶. تو می آیی، علی صفائی حائری، انتشارات لیلة القدر، پاییز ۸۰، چاپ اول.
۲۷. جستجو و گفتگو پیرامون امام مهدی سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، سید محمد باقر صدر، مؤسسه نبأ، چاپ دوم ۷۹.
۲۸. چشم‌اندازی به حکومت مهدی، نجم الدین طبسی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ سوم ۱۳۸۰.
۲۹. چشمه در بستر، مسعود پورسید آقایی، انتشارات حضور، چاپ دوم.
۳۰. حضرت مهدی در سنت نبوی، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، چاپ دوم، زمستان ۷۹.
۳۱. در انتظار ققنوس، سید نامر هاشم العمیدی، ترجمه مهدی علیزاده، مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی، چاپ اول.
۳۲. درس‌هایی از انقلاب، علی صفائی حائری، انتشارات هجرت، چاپ اول، ربیع الثانی، ۱۴۰۰ هـ، ق.
۳۳. در فجر ساحل، محمد حکیمی، نشر آفاق، چاپ بیستم، ۱۳۷۶.
۳۴. رسالت تشیع در دنیای امروز، سید محمد حسین طباطبائی، با مقدمه هانری کاربن.
۳۵. کافی، شیخ کلینی، دارالاضواء، بیروت ۱۴۱۳ هـ، ق. ۱۹۹۲ م.
۳۶. سیمای آفتاب، حبیب الله طاهری، انتشارات زائر، چاپ اول، تابستان ۸۰.
۳۷. شوک آینده، آلون تافلر، ترجمه حشمت الله کامرانی، نشر سیمرغ، ص ۴۷۵.
۳۸. ظهور مهدی از دیدگاه اسلام، عبدالله هاشمی شهیدی، انتشارات مسجد مقدس جمکران، تابستان ۱۳۸۱ - چاپ اول.
۳۹. عصر زندگی، محمد حکیمی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلام، چاپ دوم / ۷۴.
۴۰. عصر ظهور، علی کورانی، ترجمه عباس جلالی، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، ۷۵.
۴۱. علی و پایان تاریخ، عبدالمجید فلسفیان، انتشارات مسجد جمکران، چاپ دوم، تابستان ۷۹.
۴۲. عیون اخبار الرضا، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه، نشر توس، قم.
۴۳. غیبت نعمانی، ابن ابی‌زینب، ترجمه جواد غفاری، کتابخانه صدوق، چاپ اول، پاییز ۷۴.

۴۴. کمال الدین، شیخ صدوق، جامعه مدرسین، ۱۴۱۶ هـ، ق.
۴۵. ماهنامه بازتاب اندیشه، مرکز پژوهش‌های صدا و سیما با همکاری مؤسسه فرهنگی طه.
۴۶. ماهنامه موعود، اسماعیل شفیعی سروستانی، مؤسسه فرهنگی موعود.
۴۷. مجله مجموعه‌ی حکمت.
۴۸. مجمع البحرين، فخرالدین طریحی، مؤسسه الوفاء، بیروت ۱۴۰۲ ق، ۱۹۸۳ م.
۴۹. مجموعه مقالات، جشنواره دانشجویی موعود، آذر ۷۶.
۵۰. مصباح المتعجد، مؤسسة الفقه الشیعة، ۱۴۱۱ ق، ۱۹۹۱ م، چاپ اول.
۵۱. معجم المفهرس للقرآن الکریم، محمد فؤاد عبدالباقی، اسماعیلیان، دارالمکتب المصریه، قاهره، ۱۳۶۴ هـ ق، ۱۹۴۵ م.
۵۲. مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی.
۵۳. مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم صلوات الله علیه، سید محمد تقی موسوی اصفهانی، ترجمه سیدمحمد حائری قزوینی، انتشارات شقائق، پاییز ۸۰.
۵۴. منتخب الاثر، صافی گلپایگانی، مؤسسه سیده المعصومه علیها السلام، چاپ اول، ۱۴۱۹ هـ، ق.
۵۵. من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، دار الاضواء، چاپ دوم، ۱۴۱۳ هـ ق، ۱۹۹۲ م.
۵۶. موج انتظار، دولت آبادی، بحر العلوم، چاپ سپهر، پاییز ۷۹.
۵۷. مهدی در سنت نبوی، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی علیه السلام زمستان ۷۹ - چاپ دوم.
۵۸. مهدی در قرآن، رضا فیروز، انتشارات رایحه، چاپ اول، ۷۶.
۵۹. مهدی در قرآن، سیدمحمد عابدین زاده، انتشارات لاهیجی، چاپ اول، ۸۰.
۶۰. میزان الحکمة، محمد محمدی ری شهری، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ دوم، اردیبهشت ۶۷.
۶۱. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۰۶ هـ ق، ۱۹۸۶ م.
۶۲. نهج الفصاحة (کلمات پیامبر اکرم صلوات الله علیه) ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات جاویدان، تهران، ۱۳۶۰، چاپ پانزدهم.
۶۳. نهضت سربداران خراسان، ب، پتروشفسکی، ترجمه کریم کشاورز.